اولین و یگانه روزنامه تخصصی معدن و صنایع معدنی ایران

روزگار معدن

www.Madandaily.com

شنبه ● ۵ آذر ۱۴۰۱ ● اول جمادی‌الاول ۱۴۴۴ ● ۲۶ نوامبر ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۹۶۷ ● ۸صفحه ● قیمت ۳۰۰۰ تومان



برنامه‌ریزی هوشمندانه برای تکرار رکوردشکنی

۳



جای‌خالی بخش خصوصی در سیاست‌گذاری‌های صنعت برق

قطع مستمر برق به یکی از نگرانی‌های اساسی شهروندان تبدیل شده است اما این مسئله به بخش خانگی محدود نشده و قطعاً تاثیرات نامطلوب بسیاری بر صنعت کشور به‌جای می‌گذارد زیرا انرژی و در صدر آن، انرژی الکتریکی، یکی از زیرساخت‌های بنیادی تولید و توسعه و رونق آن است. چرا کسری برق به یکی از چالش‌های مهم عرصه حوزه صنعت کشور تبدیل شد؟...

۴و۵

تولیدکنندگان بر ضد دولت افزایش نرخ سیمان تاکید دارند

اما واگرهای قیمت‌گذاری سیمان ادامه دارد

در نخستین روز از هفته جاری، شاهد انتشار خبری مبنی بر رشد ۳۵ درصدی نرخ پایه سیمان در بورس کالا بودیم. انتشار این خبر زمینه سبزپوشی تابلوی معاملات بازار سهام امروز در گروه سیمانی‌ها را فراهم کرد، البته در ادامه تاکید شد که رشد یادشده به‌تمامی صنایع سیمانی کشور اختصاص ندارد و با اما واگرهایی اجرایی خواهد شد. طبق نظر بورس کالا، قرار است تنها بهای محصولاتی افزایش یابد که کف قیمتی آنها با نرخ کشف‌شده سایر شرکت‌ها فاصله چشمگیری دارد و در عمل این مجموعه‌های تولیدی با خطر افت شدید حاشیه سود مواجهند. انتظار می‌رود در سایه تداوم...

۲



عکس: روزگار معدن

درخواست فعالان معدنی و صنعتی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

قانون مالیات واردات ماشین آلات صنعتی اصلاح شود

۷

یادداشت



متولی آموزش پژوهش و فناوری کیست؟

۶

تیترهای روز

واگذاری ۵ هزار معدن به بخش خصوصی کلید خورد

مراقب طبیعت هم باشیم

با پیشنهاد وزارت صمت و مصوبه مجلس مقرر شده از ۲۶ مهر تا پایان ۲۶ آذرماه بیش از ۵ هزار معدن به مزایده گذاشته شود؛ آن هم درحالی که فعالیت معادنی که در کشور فعالند، به دلیل آثار مخرب زیست‌محیطی با ابهام‌های زیادی روبه‌رو است. دست‌اندازی به طبیعت در سال‌های اخیر سابقه پر و پیمانی دارد و هر روز بخش‌هایی از پیامدهای آن دامن کشور و زندگی اجتماعی مردم را هم می‌گیرد.

این‌که زندگی بخشی از جمعیت هر ساله با حجم زیادی از گرد و خاک گره خورده، کشاورزی ایران با بحران آب و فرسایش خاک روبه‌رو است یا بخش‌هایی از کشور به‌طور جدی با بحران فرونشست دست‌وپنجه‌نرم می‌کند و خشکسالی و تغییر در همه ابعاد زندگی خود را نشان می‌دهد، همگی از آثار سوءدست‌درازی انسان به طبیعت بوده است.

به‌تازگی رسانه‌ها گزارش دادند بیش از ۵هزار معدن که تاکنون متولی آن وزارت صمت بوده، به صورت مزایده به بخش خصوصی واگذار خواهد شد؛ برنامه‌ای که واکنش بسیاری از کارشناسان را برانگیخته است...

۳

سرمقاله

آموزش گام نخست توسعه عملکرد



منصور یزدی‌زاده
فعال صنعت فولاد

توسعه عملکردی صنایع به الزامات متعددی نیاز دارد. آموزش نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین الزامات در مسیر توسعه صنعتی و اقتصادی کشورها است.

بر همین اساس نیز در عصر حاضر آموزش نیروی انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. شتاب قابل‌توجه علوم و تخصص‌های گوناگون و پیشرفت هرروزه دانش و تکنولوژی، ضرورت آموزش نیروی انسانی را بیش‌ازپیش تقویت کرده است.

حوزه معدن و صنایع معدنی نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ بنابراین آموزش به‌عنوان فاکتوری اساسی و موثر در رشد کیفی عملکرد کارکنان که حکم سرمایه‌های انسانی یک مجموعه را دارند، اهمیت می‌یابد.

این آموزش زمینه افزایش رضایت شغلی کارکنان یک مجموعه را فراهم می‌کند و همزمان به همگام‌سازی دانش و توان نیروی انسانی در سازمان منتهی می‌شود.

آموزش مختص یک سن، دوره یا مکان خاص و ویژه نیست. امروزه در سراسر جهان، افرادی را که به گذراندن دوره‌های دانشگاهی حتی در مراکز معتبر دنیا بسنده کرده باشند و ۵ سال از زمان آموزش آنها گذشته باشد، بدون دانش و تخصص لازم ارزیابی می‌کنند، مگر آنکه فرد توام با کار، آموزش را هم موردتوجه قرار داده باشد...

ادامه در صفحه ۲





سرمقاله

آموزش گام نخست توسعه عملکرد

ادامه از صفحه اول

به‌همین دلیل نیز، دوره‌های آموزشی هنگام خدمت به‌شدت جدی گرفته می‌شوند و ارتقای شغلی افراد را موکول به گذراندن این دوره‌ها می‌کنند. استانداردهای آموزشی در سطح بین‌المللی تا حد زیادی مشابه هم هستند، هرچند کیفیت برگزاری این دوره‌ها با هم متفاوت است. بااین‌وجود، در کشور ما فرهنگ ضرورت گذراندن این دوره‌ها آنچنان فراگیر نشده است، در واقع آموزش در نگاه نخست هزینه‌بر و زمان‌بر است و در نتیجه در کشور ما آموزش نیروی انسانی آن‌قدر که باید و انتظار می‌رود، موردتوجه قرار ندارد و همین موضوع نیز چالش‌های بسیاری را ایجاد می‌کند یا اگر هم دوره آموزشی برگزار می‌شود، بیشتر جنبه رفع تکلیف دارد.

به‌همین دلیل، این دوره‌ها در کشور ما آن‌طور که باید جدی گرفته نمی‌شود. در چنین شرایطی، تنها آن دسته از افرادی که علاقه‌مند به افزایش توان علمی و تخصصی خود هستند، با هزینه شخصی دوره‌های آموزشی را می‌گذرانند. باتوجه به کاستی‌های یادشده در کشور، موضوع مدیریت دانش نیز متاثر از موارد گفته‌شده آنقدرها فراگیر نشده است. شرکت‌های پیشرو اندکی هستند که با اعتقاد راسخ به این موضوع پرداخته و سعی در بهره‌مندی از مزایای مدیریت دانش دارند. یکی دیگر از موانع فراگیری مدیریت دانش، نگرانی از امنیت شغلی است. در کشور ما، فرهنگ جانشین‌پروری که متاثر از همین موضوع است، فراگیر نشده و نسبت به آن بی‌توجهی می‌شود. بیشتر افراد سعی می‌کنند دانش اندوخته خود را برای خود نگهدارند و به‌صورت آبشاری همه فوت‌وفن‌های کار را به زیردستان خود انتقال ندهند، تا مبادا کار خود را از دست بدهند. گذراندن دوره آکادمیک، دوره‌های عملی و همچنین هنگام خدمت، لازم و ملزوم یکدیگر هستند. دوره آکادمیک دوره مقدماتی به‌شمار می‌رود، چرا که تئوری به‌تنهایی کاربرد ندارد. دوره‌های کارگاهی و عملی، دوره‌های مکمل برای آغاز کار و دوره‌های هنگام کار و خدمت تکمیلی هستند، بنابراین کدامیک اهمیت بیشتری دارند؟ علاوه بر تمام موارد یادشده ارتقای سطح ارتباط میان دانشگاه و صنعت نیز می‌تواند در بهبود فرآیند آموزش نیروی انسانی موثر باشد. در کشور ما، رابطه دانشگاه و صنعت بیشتر از اینکه عملیاتی و کاربردی باشد، جنبه نمایشی به خود گرفته و رفع تکلیفی عمل می‌کند و هنوز بالغ نشده است. در این زمینه، بارها و بارها آسیب‌شناسی انجام شده، اما جز در موارد معدود توفیق زیادی در این زمینه نداشته‌ایم. شرایط اقتصادی کشور در طول سال‌های اخیر به‌شدت ضعیف شده و در چنین شرایطی، افراد ناچار هستند بدون توجه به کیفیت کار و ارتباط آن با تحصیلات‌شان، یک موقعیت شغلی را بپذیرند و بیشتر به‌دنبال انجام کار برای کسب معیشت هستند و همین موضوع از کیفیت عملکردی صنایع می‌کاهد. باتوجه به تمام موارد یادشده، اصلاح فرآیند آموزش در حوزه‌های مختلف ضروری به‌نظر می‌رسد.

خبر

تبیین نقش چادرملو در اقتصاد ایران



در بازدید اصحاب هنر و نویسندگان حوزه هنری از مجتمع‌های معدنی و صنعتی چادرملو مدیران این شرکت به تشریح فعالیت‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه خود در ارزش‌آفرینی در اقتصاد کشور با بهره‌گیری از توان و ظرفیت‌های نیروی مستعد و توانمند ایرانی با تکیه بر علم و دانش مدیران و کارکنان این شرکت پرداختند.

به گزارش روابط‌عمومی چادرملو، بازدیدکنندگان نتایج این تلاش را کمتر از جهادگران دوران دفاع مقدس ندانستند و آن را مایه افتخار و سربلندی ایران اسلامی برشمردند. گفتنی است؛ شرکت معدنی و صنعتی چادرملو با تولید سالانه بیش از ۱۸میلیون تن محصولات زنجیره فولاد سهم قابل‌توجهی در تامین این محصول استراتژیک در کشور و اشتغال و ارزآوری ایفا می‌کند.

تولیدکنندگان بر ضد دولت افزایش نرخ سیمان تاکید دارند

اما واگرهای قیمت‌گذاری سیمان ادامه دارد

مرضیه احقاقی

در نخستین روز از هفته جاری، شاهد انتشار خبری مبنی بر رشد ۳۵ درصدی نرخ پایه سیمان در بورس کالا بودیم. انتشار این خبر زمینه سبزپوشی تابلوی معاملات بازار سهام امروز در گروه سیمانی‌ها را فراهم کرد، البته در ادامه تاکید شد که رشد یادشده به‌تمامی صنایع سیمانی کشور اختصاص ندارد و با اماواگرهایی اجرایی خواهد شد. طبق نظر بورس کالا، قرار است تنها بهای محصولاتی افزایش یابد که کف قیمتی آنها با نرخ کشف‌شده سایر شرکت‌ها فاصله چشمگیری دارد و در عمل این مجموعه‌های تولیدی با خطر افت شدید حاشیه سود مواجهند. انتظار می‌رود در سایه تداوم اجرای این سیاست، در درجه نخست شاهد افزایش نرخ پایه سیمان تولیدشده توسط برخی صنایع باشیم. در ادامه، با افزایش متوسط نرخ میانگین معاملات بورس کالا، بهای پایه سیمان تولیدی توسط سایر صنایع نیز افزایش خواهد یافت. در میان‌مدت نیز باید منتظر رشد نرخ پایه صادرات سیمان کشور باشیم. باوجود تمام مقاومتی که از سوی مسئولان در طول سال‌های گذشته برای جلوگیری از تعدیل قیمتی سیمان اجرایی شده، فعالان این صنعت معتقد هستند که این رشد، حداقلی و ضروری است. فعالان صنعت سیمان تاکید دارند که تثبیت بهای این محصول ساختمانی پرمصرف برای مدت‌زمان طولانی مانع بازسازی و نوسازی تجهیزات این صنعت شده است. باتوجه به نقش کمرنگ نرخ سیمان در هزینه‌های ساخت‌وساز، تجدیدنظر در این شرایط ضروری به‌نظر می‌رسد. البته با توجه به حساسیت‌هایی که روی قیمت‌گذاری سیمان ازسوی دولت وجود دارد و نامه‌ای که اخیرا ازسوی مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت منتشر شده، نباید به رشد قیمت سیمان و خروج فعالان این صنعت از فرآیند قیمت‌گذاری امید داشت.



> در شرایطی نرخ سیمان در یک بازه زمانی بیش از یک‌ساله ثابت نگه داشته شده که هزینه تولید این محصول به‌شدت افزایش یافته است

تغییر نظر وزارت صمت درباره قیمت‌گذاری

روز ۱۵ آبان، مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای به مدیرکل دفتر وزارتی وزارت صنعت، معدن و تجارت در توضیحات مفصلی تاکید کرده بود: «با توجه به ماده ۱۸ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که اشعار می‌دارد «دولت مکلف است کالای پذیرفته‌شده در بورس را از نظام قیمت‌گذاری خارج کند»، وزارت متبوع از هر گونه مداخله در کشف قیمت در بازار بورس کالا خودداری کرده و کشف قیمت و توزیع براساس سازکار عرضه و تقاضا و مقررات و ضوابط شرکت بورس کالای ایران انجام می‌شود و معاونت امور معادن و فرآوری مواد، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استان‌ها صرفا بر اجرای صحیح قوانین و ضوابط بورس کالا و حلقه‌های پس از بورس کالا نظارت عالیه دارند.»

با این وجود مهر مصوبه قبلی خشک‌نشده سیف‌الله امیری، مدیرکل دفتر صنایع معدنی وزارت صنعت، معدن و تجارت دوباره در نامه‌ای به مدیرعامل شرکت بورس کالای ایران اعلام کرد «هر گونه تغییر در نحوه محاسبه قیمت پایه سیمان با اطلاع و هماهنگی معاونت معادن و فرآوری مواد وزارت صنعت، معدن و تجارت انجام پذیرد.»

رشد حداقلی نرخ برای سیمانی‌ها



حسین چهرگانی، فعال صنعت سیمان در گفت‌وگو با «روزگار معدن» و در ارزیابی افزایش ۳۵ درصدی نرخ پایه سیمان خاکستری در معاملات بورس کالا اظهار کرد: حدود ۲سال است که نرخ پایه این محصول در معاملات بورس کالا ثابت مانده است، بنابراین اصلاح بهای پایه سیمان و افزایش آن در موقعیت کنونی ضروری است. وی افزود: در شرایطی نرخ سیمان در یک بازه زمانی بیش از یک‌ساله ثابت نگه داشته شده که هزینه تولید این محصول به‌شدت افزایش یافته است. باتوجه به روند رو به رشد تورم در اقتصاد ایران، بهای تمامی نهاده‌های تولید در این بازه زمانی افزایشی بوده است، حتی نرخ نهاده‌هایی که از سوی دولت تامین می‌شود، همچون سوخت، برق، آب، حقوق دولتی، حمل‌ونقل و... نیز در این دوره، به‌شدت بیشتر شده است. بااین‌وجود، فعالان صنعت سیمان در این بازه زمانی، امکان متعادل‌سازی نرخ خود را به‌دست نیاورده‌اند. در چنین شرایطی، فشار مضاعفی به فعالان این صنعت تحمیل می‌شود و در عمل فعالیت آنها را تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهد.

چهرگانی گفت: باید باوجود صدور مجوز رشد نرخ پایه سیمان در بورس کالا تاکید کرد که این افزایش نرخ هنوز هم متناسب با هزینه قابل‌توجهی که به این صنعت تحمیل می‌شود، نیست، چرا که در طول سال‌های گذشته، شاهد اعمال سرکوب قیمتی گسترده‌ای در این صنعت بوده‌ایم. بدین‌ترتیب، همچنان سیمان به‌عنوان یکی از کم‌ارزش‌ترین محصولات در کشور معامله می‌شود. این در حالی است که سیمان کالایی استراتژیک و غیرقابل‌جایگزین به‌ویژه در فرآیند ساخت‌وساز است.

فصل سرما و رشد بیشتر هزینه تولید

این فعال صنعت سیمان بااشاره به محدودیت‌های موجود در تامین انرژی گفت: در آستانه ماه‌های سرد سال هستیم و هشدارهایی درباره تامین نشدن گاز موردنیاز واحدهای سیمانی کشور باتوجه به محدودیت موجود در مسیر تامین انرژی به این فعالان صنعتی داده شده است. در چنین شرایطی، واحدهای تولیدکننده صنعت سیمان ناچار هستند برای تداوم تولید خود از مازوت به‌عنوان سوخت جایگزین استفاده کنند. این در حالی است که جایگزینی مازوت به‌جای گاز، در عمل هزینه تمام‌شده تولید را در این صنعت به‌شدت افزایش خواهد داد. وی گفت: تولیدکنندگان پس از مصرف گاز به‌عنوان سوخت، هزینه آن را پرداخت می‌کنند، اما در شرایطی که به‌اجبار مازوت با گاز جایگزین می‌شود، تولیدکنندگان موظف به پرداخت هزینه سوخت از همان زمان صدور حواله تخصیص مازوت در قالب پیش‌پرداخت هستند. علاوه بر این، از صنایع انتظار دارند از تابستان اقدام به خرید مازوت و ذخیره‌سازی آن کنند، در نتیجه فشار مضاعفی از نظر نقدینگی به صنعت سیمان کشور تحمیل می‌شود. این موضوع باتوجه به کمبود نقدینگی واحدهای سیمانی کشور، به‌طورعموم از استطاعت آنها خارج است. علاوه بر آن، مبالغ دریافتی که معادل گاز طبیعی است، علی‌الحساب تلقی شده و در زمان مصرف، مابه‌التفاوت آن مطالبه می‌شود. چهرگانی افزود: حمل مازوت به‌عنوان سوخت جایگزین صنایع سیمان کشور نیز با دشواری‌های متعددی روبه‌رو است.

هزینه حمل مازوت حتی بیش‌تر از هزینه خرید این سوخت است و در نتیجه باتوجه به جایگزینی سوخت، هزینه قابل‌توجهی به صنایع تحمیل می‌شود و هزینه تولید آنها افزایش قابل‌ملاحظه‌ای خواهد یافت. این رشد برای صنایع مختلف بسته به فاصله‌ای که از مراکز پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی دارند، از ۲ تا ۵ برابر گاز برآورد می‌شود. وی گفت: علاوه بر تمام موارد یادشده، کیفیت مازوت تحویلی به صنایع نیز جای بررسی دارد. آلودگی‌های موجود در این سوخت ضمن وارد کردن صدمه به فرآیند تولید، هزینه‌های بیشتری را به صنعتگران تحمیل می‌کند. چهرگانی افزود: باوجود تمام مشکلاتی که به‌اجبار به صنایع سیمان کشور تحمیل می‌شود، شرکت پخش فرآورده‌های نفتی بحق یا ناحق از تولیدکنندگان سیمان جریمه‌ای را مطالبه می‌کند، بنابراین می‌توان این‌طور ادعا کرد که رشد اختصاص‌یافته به نرخ پایه صنعت سیمان، هنوز هم کفاف رشد هزینه تولید را در این بخش نمی‌دهد.

این فعال صنعت سیمان گفت: سیمان به‌طورسنتی در نگاه مسئولان دولتی حکم یک کالای اساسی را دارد. برهمین اساس نیز در تصمیم‌گیری‌ها، مانع رشد نرخ آن متناسب با افزایش هزینه تولید می‌شوند.

با این حال، سیاست‌گذاران حمایت‌هایی را که از تولیدکنندگان کالاهای اساسی می‌شود، از واحدهای سیمانی دریغ می‌کنند، همین موضوع نیز در برخی برهه‌های زمانی، در عمل به‌ضرر فعالان صنعت سیمان شده است.

وی افزود: علاوه بر این در برخی مواقع همین محدودیت‌ها به نفع برخی تولیدکنندگان ویژه و وابسته به قدرت است.

همین فعالان رانتی نیز مانع اصلاح سیاست‌های حاکم بر صنعت سیمان کشور می‌شدند. وی افزود: البته با عرضه سیمان در بورس کالا، بخش بزرگی از مشکلات پیش‌روی فعالان این صنعت مرتفع شده است، بااین‌وجود هنوز مسیر اصلاح باز است. چهرگانی تاکید کرد: همان‌طور که بارها تاکید شده سیمان محصولی استراتژیک و غیرقابل‌جایگزین است.

تحمیل فشار مضاعف به این صنعت، به‌منزله کاهش تولید این محصول خواهد بود. فعالان صنعت سیمان برای تداوم فعالیت خود نیازمند اختصاص هزینه برای بازسازی و نوسازی تجهیزات‌شان هستند. این صنعت استهلاک بالایی دارد. چنانچه عایدی و نقدینگی موردنیاز این صنایع تامین نشود، صنایع سیمان کشور با آسیب‌های جدی روبه‌رو می‌شوند و در عمل روند فعالیت آنها تحت‌تاثیر منفی قرار می‌گیرد و در ادامه از نقش خود به‌عنوان تامین‌کننده نیاز عمران و آبادانی کشور باز خواهند ماند، بنابراین از سیاست‌گذاران انتظار می‌رود با کاهش فشار تحمیلی روی این صنعت، تداوم تولید در آن را دنبال کنند.

ضرورت اصلاح نرخ پایه سیمان در بورس کالا



نادر غفاری، فعال صنعت سیمان در گفت‌وگو با «روزگار معدن» اظهار کرد: براساس پیشنهاد انجمن سیمان مقرر شده قیمت‌های پایه این محصول در بورس کالا افزایش یابد. اما رشد یادشده تنها به نرخ پایه این محصول در بورس کالا اختصاص دارد و بهای نهایی آن در تقابل میان عرضه و تقاضا تعیین خواهد شد. غفاری گفت: افزایش هزینه‌های تمام‌شده تولید، مهم‌ترین عامل مطرح‌شده از سوی انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان برای رشد نرخ پایه سیمان است. کافی است، نگاهی به هزینه‌های تولید فعالان صنعت سیمان در طول یک سال گذشته بیندازید. بهای تمامی نهاده‌های تولید و سایر عوامل موثر بر نرخ تمام‌شده محصول در این بازه زمانی، رشد قابل‌توجهی داشته است. این رشد در موارد متعددی بالاتر از ۱۰۰ درصد برآورد شده است، بنابراین رشد کنونی که در حال حاضر بر نرخ پایه سیمان اعمال شده، حداقلی است و در عمل مشکلات فعالان صنعت سیمان کشور را مرتفع نمی‌کند. وی افزود: در واقع این رشد را باید حداقل میزانی دانست که بورس کالا و انجمن کارفرمایان صنعت سیمان درباره آن به‌توافق رسیده‌اند. این فعال صنعت سیمان افزود: در آستانه هفته‌های سرد سال قرار داریم و هشدارهایی از سوی دولت به صنایع سیمان کشور با موضوعیت توقف گاز صنایع صادر شده است. با ایجاد محدودیت در تامین انرژی صنایع، بسیاری از صنایع سیمانی کشور ناچار خواهند بود، برای تداوم تولیدشان، مازوت بسوزانند. همین جایگزینی سوخت نیز فشار مضاعفی را به عملکرد صنعتگران تحمیل می‌کند و از حاشیه سود آنها می‌کاهد. وی گفت: مصرف مازوت، هزینه تولید سیمان را به‌ازای هر تن برابر ۵۰ تا ۱۰۰ هزار تومان افزایش می‌دهد. باتوجه به بهای پایین سیمان، این رشد قابل‌توجه است و عملکرد واحدهای سیمانی را به‌شدت تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهد. این فعال صنعت سیمان گفت: حمل مازوت برعهده صنایع سیمانی است. از آنجا که برخی واحدهای سیمانی کشور در فاصله دوری نسبت به مراکز پخش و پالایش فرآورده‌های نفتی قرار دارند، بنابراین هزینه حمل این سوخت، برای صنایع قابل‌توجه خواهد بود. در نتیجه افزایش نرخ، تنها راه تداوم تولید در این صنعت است. این فعال صنعت سیمان گفت: واحدهای سیمانی کشور در طول سال‌های گذشته با چالش‌های جدی در مسیر فعالیت خود روبه‌رو بوده‌اند و از نوسازی یا بازسازی تجهیزات‌شان بازمانده‌اند، بنابراین از توان کافی برای مقابله با این شرایط و تحمیل هیچ فشار جدیدی برخوردار نیستند.

سخن پایانی

در شرایطی که نرخ محصولات تولیدشده در حوزه معدن و صنایع وابسته به آن، براساس نرخ این محصولات در بازارهای جهانی تعیین می‌شود، قوانین سفت و سختی بر عملکرد فعالان صنعت سیمان اعمال می‌شود.

سیمان محصول غیرقابل‌جایگزین و پرمصرف در فرآیند ساخت‌وساز است. شاید به‌همین دلیل نیز این محصول در طول سال‌های گذشته جزو کالاهای اساسی قرار گرفته و در عمل قوانین سفت و سختی بر فرآیند فروش آن حاکم است. بااین‌وجود، تاکید می‌شود که در طول سال‌های گذشته، ظرفیت تولید صنعت سیمان کشور به‌مراتب افزایش یافته است.

در چنین شرایطی، میزان تولید در این صنعت به‌مراتب بالاتر از نیاز کشور برآورد می‌شود، بنابراین تداوم چنین سختگیری‌هایی برای فعالان این صنعت نه‌تنها محلی از اعراب ندارد، بلکه به‌عنوان مانعی در مسیر تولید و توسعه عمل می‌کند.

البته تاکید می‌کنیم که پس از ورود سیمان به بورس کالا و فروش این محصول در بستری شفاف، برخی مشکلات فعالان این صنعت برطرف شده‌اند، بااین‌وجود همچنان شاهد برخی ناملایمات از سوی تصمیم‌گیران هستیم. باتوجه به آنکه در آستانه فصل سرد سال قرار داریم و تامین گاز واحدهای سیمانی کشور نیز با افت جدی روبه‌رو خواهد شد، در عمل هزینه تولید در این صنعت به‌شدت افزایش خواهد یافت.

در چنین موقعیتی، موافقت مسئولان با رشد منطقی نرخ پایه سیمان در بورس کالا، راهکاری اصولی برای تداوم تولید در این صنعت و عبور از چالش‌های پیش‌روی این تولیدکنندگان است.

رشد ۱۶ درصدی تولید فولاد در ۷ ماه نخست امسال

انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران، آمار تولید فولاد کشور در ۷ ماه نخست امسال را منتشر کرد. به‌گزارش چیلان، طبق آمار منتشرشده، تولید فولاد میانی کشور در ۷ ماه نخست سال ۱۴۰۱ ، برابر ۱۸ میلیون و ۲۶۸ هزار تن بوده که رشد ۱۶ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد. در تابستان امسال و به‌واسطه هماهنگی میان وزارتخانه‌های نیرو، صنعت، معدن و تجارت و انجمن فولاد، محدودیت‌های مصرف برق نسبت به سال گذشته بهتر مدیریت شد و شاهد افزایش تولید نسبت به سال گذشته هستیم، در نتیجه تولید واقعی فولاد نسبت به ۷ ماه نخست سال ۱۳۹۹، تنها ۵۰۰هزار تن معادل ۲.۸ درصد افزایش یافته است. در ۷ ماه نخست امسال، تولید کل محصولات فولادی نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد ۱۵ درصدی و تولید آهن‌اسفنجی رشد ۱۹ درصدی داشته است.

گفتنی است، در این بازه زمانی، در مجموع تولید محصولات فولادی نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد ۱۵درصدی داشته است. مجموع تولید محصولات فولادی در ۷ماه نخست امسال، ۱۲ میلیون و ۶۷۰ هزار تن بوده است.

علاوه بر این، مجموع تولید محصولات طویل نیز در این بازه زمانی برابر ۷ میلیون و ۳۵۶ هزار تن مجموع تولید محصولات تخت نیز برابر ۵ میلیون و ۳۱۴ هزار تن برآورد شده است. تولید میلگرد نیز در ۷ ماه نخست امسال، برابر ۶میلیون و ۱۴۶هزار تن بوده که افزایش ۲۰ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال قبل نشان می‌دهد. تولید تیرآهن نیز با افزایش ۳درصدی به ۷۰۰ هزار تن رسیده است. میزان تولید ورق گرم کشور نیز در ۷ ماه نخست امسال، ۵ میلیون و ۱۱۶ هزار تن بوده که افزایش ۱۰ درصدی را نسبت به مدت مشابه سال گذشته نشان می‌دهد.

روزگار معدن
معدن
شنبه
۳
● ۵ آذر ۱۴۰۱
● اول جمادی‌الاول ۱۴۴۴
● ۲۶ نوامبر ۲۰۲۲
● سال پنجم ● شماره ۹۶۷

نیمه تاریک حوزه اکتشاف

گروه معدن

در سال‌های اخیر به‌طور مداوم از اکتشاف منابع معدنی عمیق یا پنهان سخن گفته شده، اما به باور کارشناسان اقدامات چندانی در این زمینه صورت نگرفته است.

ظاهراً کمبود سرمایه، پایین بودن دانش فنی، نبود فناوری‌های لازم و قوانین و مقررات دست‌وپاگیر از عوامل موفق نبودن در این حوزه هستند، اما مسئله مهمی که باید به آن توجه کرد، کمبود اطلاعات پایه با مقیاس مناسب است.

برای جبران این عقب‌ماندگی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی طرح مطالعاتی جدیدی را آغاز کرد که از مهر ماه سال ۱۴۰۰ در خراسان جنوبی کلید خورد و مهر ماه سال ۱۴۰۱ خروجی آن منتشر شده است. با این مقدمه، درحال‌حاضر چشم‌انداز بخش اکتشاف چیست؟

افزایش دقت مقیاس



رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی از افزایش ۴ برابری دقت در تغییر مقیاس کاری این سازمان با هدف شناسایی بهتر شواهد اکتشافی موجود در سطح زمین خبرداد. به گزارش ماین‌نیوز، علیرضا شهیدی گفت: سازمان زمین‌شناسی شاخص‌های خود را با شروع دولت سیزدهم تغییر داده و دقت مقیاس‌ها را برای شناسایی بهتر از شواهد موجود در سطح زمین ۴برابر بیشتر کرده است. وی ادامه داد: در این زمینه استان خراسان جنوبی را به عنوان نمونه آزمایشی انتخاب کردیم و در این استان حدود ۱۲ هزار و ۵۰۰کیلومترمربع برداشت‌های اطلاعات پایه خود را در سه‌لایه، شامل لایه زمین‌شناسی، ژئوشیمی و زمین‌شناسی اقتصادی انجام دادیم. وی باور دارد که انجام این طرح خروجی‌های بسیار خوبی به دنبال داشت که نمونه آن کاهش زمان برداشت اطلاعات پایه در طرح‌ها از ۳ سال به یکسال است.

به گفته شهیدی؛ با اجرای این طرح ۴۷۰ محدوده معدنی مشخص و به عنوان مثال محدوده نیکل برای نخستین‌بار در شرق ایران شناسایی شد.

▣ مرجع برگزاری مزایده‌های معدنی

شهیدی از واگذاری مزایده‌های اکتشافی به سازمان ایمیدرو خبرداد و گفت: براساس تفاهم از این پس همه مزایده‌ها از سوی این سازمان انجام می‌شود.

رئیس سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور با اشاره به آغاز اکتشافات جدید معدنی در ۳ استان قم، مرکزی و اصفهان از اول آذرماه افزود: در ادامه این طرح، مشخص کردیم که اکتشافات معدنی را در مناطقی مانند خراسان جنوبی و کردستان که از نظر وجود ذخایر معدنی اولویت دارند، انجام دهیم و پس از آن استان آذربایجان غربی در اولویت اکتشافات جدید معدنی خواهد بود. شهیدی گفت: سازمان زمین‌شناسی از لایه ژئوفیزیک هوابرد در کنار اکتشاف در سطح هم بهره می‌برد که هدف ما از این نوع اکتشاف، کشف ذخایر پنهانی است که هیچ آثار و ردی از آنها در سطح زمین وجود ندارد.

▣ چالش کمبود نیروی انسانی

شهیدی در گفت‌وگو با معدن مدیا معضل اصلی سازمان زمین‌شناسی را کمبود نیروی متخصص عنوان کرد و آن را از تبعات اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و کوچک کردن سازمان‌های دولتی دانست. وی افزود: در برنامه توسعه ششم، حدود ۱۰۰ نفر از نیروهای متخصص با سابقه از سازمان خارج شدند و جایگزینی نداشتند. شهیدی تاکید کرد: سازمان زمین‌شناسی یک سیستم تخصصی حاکمیتی است و نباید مانند سایر سازمان‌های دولتی با آن برخورد شود؛ این سیاست اشتباهی است که تمام سازمان‌های دولتی را با یک مقیاس کوچک کنیم. معاون وزیر صمت بیان کرد: ورودی و خروجی دانشگاه‌ها در رشته زمین‌شناسی به ترتیب حدود ۵۰ و ۴۵ درصد کاهش پیدا کرده است و ما در بخش خصوصی نیز با چالش نیروی متخصص مواجه هستیم.

هشدار کارشناسان



مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات (ومعادن) راهکار اصلاح ساختار اکتشاف در کشور را برنامه‌ریزی برای اکتشاف سراسری مواد معدنی ازجمله سنگ‌آهن دانست و گفت: تاکنون اقدامات عملیاتی جدی برای انجام نگرفته است. به گزارش ماین نیوز، اردشیر سعدمحمدی اظهار کرد: کارشناسان بخش معدن و صنایع معدنی چندین سال است که به صورت جدی هشدار داده‌اند که با روند موجود اکتشافات، دیری نمی‌گذرد که ذخیره بعضی مواد معدنی ازجمله سنگ‌آهن به پایان می‌رسد و این موضوع جدیدی نیست.

وی افزود: براساس آخرین ویرایش مطالعات طرح جامع فولاد کشور، ذخیره زمین‌شناسی سنگ‌آهن ۵ میلیارد تن و ذخیره قابل استخراج آن ۲.۹ میلیارد تن تخمین‌زده می‌شود.

▣ ذخیره اندک سنگ‌آهن

سعدمحمدی در ادامه سخنان خود گفت: چنانچه اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ تحقق یابد و به تولید سالیانه ۵۵ میلیون تن فولاد خام برسیم، سالانه ۱۶۰ تا ۱۶۹ میلیون تن سنگ‌آهن نیاز است، بنابراین ذخایر موجود تا چند سال نیاز بخش تولید فولاد را در سال‌های پیش رو خواهد داد. وی گفت: استخراج از معادن در اعماق زمین نیز راه دیگری است که در میان مدت امکان دارد، بتوان آن را پیگیری کرد، اما این راه درحال‌حاضر صرفه اقتصادی ندارد، ولی در صورت افزایش قیمت‌ها، ممکن است توجیه اقتصادی پیدا کند.

▣ توجه به معادن کوچک و متوسط

مدیرعامل «و معادن» در ادامه سخنان خود به ضرورت برنامه‌ریزی برای استخراج معادن کوچک و متوسط اشاره کرد و گفت: این اقدام راهکاری دیگر برای تأمین سنگ‌آهن مورد نیاز در سال‌های پیش‌رو است. سعدمحمدی واردات سنگ‌آهن از کشورهایی مانند استرالیا را راهکار دیگری برای جبران کمبود سنگ‌آهن دانست اما هزینه بالای حمل را یکی از اساسی‌ترین مشکلات این روش معرفی کرد. وی افزود: مشکل دیگر این است که اسکله‌های کشور عمق کمی دارند و به این علت نمی‌توان از کشتی‌های کیپ‌سایز Capesize استفاده کرد. این کشتی‌ها بزرگ‌ترین نوع باری فله‌بر است که برای حمل مواد معدنی مانند سنگ‌آهن و زغال سنگ به‌کار می‌رود و توان که توان حمل ۱۱۰۰ تا ۲۰۰۰ dwt را دارد.

▣ آسیب‌های گره زدن فولاد و واردات

سعدمحمدی ادامه داد: مانع جدی دیگر بر سر راه واردات تحریم‌های اقتصادی است. بنابراین گره زدن صنعت فولاد کشور به واردات از اساس امری اشتباه است، زیرا در صورت تحریم، تمام زنجیره فولاد کشور با مشکل مواجه خواهد شد. وی بار دیگر تاکید کرد: راه‌حل اصلی تأمین خوراک کارخانه‌های فولادسازی، فعالیت جدی و تمرکز بر موضوع اکتشاف است.



عکس: روزگار معدن

سخن پایانی

در پایان باید به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم اقدامات انجام شده بخش اکتشاف هنوز چالش‌های جدی و متعددی روبه‌رو است که اهم آنها عبارتند از:

فقدان طرح و برنامه متوازن و متناسب با ظرفیت‌های متنوع و گسترده کشور از سوی متولیان امر، تخصیص نیافتن منابع مالی متناسب با ظرفیت‌های بالقوه زمین‌شناسی کشور، ناهماهنگی و همکاری نکردن دستگاه‌های مسئول صدور مجوزهای اکتشاف، ممنوعیت صدور مجوز در بخش زیادی از پهنه‌های مستعد معدنی به بهانه‌هایی مانند تداخل با عرصه‌های زیست‌محیطی، مرتعی، جنگلی، نظامی، شهری، روستایی، نفتی و سایر تاسیسات و ابنیه صنعتی و کشاورزی و امثال آن، محدودیت‌ها و زمان‌بر بودن مقررات مربوط به آزادسازی محدوده‌های بدون فعالیت و بروکراسی فرآیندهای مربوطه، فقدان دسترسی کافی و ارزان به تجهیزات و ادوات فنی موردنیاز اکتشاف و محدودیت‌های وارداتی مربوطه، نگاه سنتی و غیرعلمی متولیان قانون‌گذاری و اجرایی بخش معدن به مقوله اکتشاف و کمبود منابع انسانی.

برنامه‌ریزی هوشمندانه برای تکرار رکوردشکنی



مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان در گفت‌وگو با روابط عمومی این شرکت گفت: از ابتدای سال جاری با یک برنامه‌ریزی هوشمندانه، دقیق و حساب شده، توانستیم چهار بار رکورد تولید ماهیانه شرکت را جابه‌جا کنیم و امیدواریم در ادامه سال این رکوردشکنی‌ها تا تحقق ظرفیت اسمی و حتی فراتر از آن ادامه یابد. عطاالله معروفخانی با تبریک رکورد ۱۵۴ هزار و ۵۶۷ تنی آبان ماه شرکت فولاد هرمزگان به همه کارکنان و ذی‌نفعان شرکت، اظهار داشت: برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه برای کسب این رکورد از ماه‌ها قبل صورت گرفته بود. قطعی‌های مکرر برق از اواسط اردیبهشت ماه تا پایان مرداد مانع بزرگی برای فولاد هرمزگان در تحقق افزایش تولید بود اما با کاهش محدودیت‌های تامین برق در پایان تابستان به سرعت توانستیم به وضعیت عادی خود در امر تولید باز گردیم. به طوری که در شهریور ماه، مهر ماه و آبان ماه به صورت پی در پی در تولید ماهیانه رکوردشکنی کردیم. وی با اشاره به ظرفیت ۱۲۵ هزار تنی فولاد هرمزگان در هر ماه، خاطرنشان کرد: تولید بیش از میزان ظرفیت اسمی نشان می‌دهد کارکنان فولاد هرمزگان توانستند به تمام ابعاد فنی و علمی تولید فولاد با استفاده از ماشین ریخته‌گری پیوسته دست یابند و با بهره‌گیری از تمامی امکانات موجود، تولید بیش از ظرفیت اسمی ماهیانه را محقق سازند. مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان تاکید کرد: گام دیگر شرکت فولاد هرمزگان در جهت افزایش بهره‌وری، افزایش سرعت ذوب بود. این شرکت توانست با افزایش میزان تخلیه و به‌تبع آن کاهش مدت زمان تولید ذوب، موفق به افزایش سرعت تولید تا ۱.۶ متر در هر دقیقه شود. این در حالی است که این سرعت ریخته گری در بین استفاده کنندگان از تکنولوژی ریخته گری پیوسته تختال خود رکوردی بی نظیر می‌باشد. وی با اشاره اینکه افزایش سرعت تولید، میزان مصرف انرژی الکتریکی را نیز کاهش داده و راندمان مصرف انرژی را افزایش می‌دهد گفت: در واحد فولادسازی و ریخته گری مداوم، با کاهش مدت زمان تخلیه پاتیل تا ریخته گری، در کنار آن کاهش ماندگاری ذوب در کوره‌های پاتیلی، طبعا میزان مصرف انرژی کاهش و در مقابل میزان تولید افزایش خواهد یافت. معروفخانی با بیان اینکه افزایش کیفیت متالیزاسیون آهن اسفنجی و کاهش مصارف مواد اولیه بر افزایش تولید و رکوردشکنی تاثیر شگرفی گذاشت، عنوان کرد: یکی از اقدامات مهم فولاد هرمزگان در تابستان، شات‌دان سنگین واحد احیا مستقیم بود که این شرکت توانست با انجام عملیات تعمیرات و نگهداری بسیاری از تجهیزات این واحد را بهینه و برای تولید مواد اولیه با کیفیت بالاتر آماده کند. به طوری که نخستین محصولات واحد احیا مستقیم پس از شات‌دان، متالیزاسیون ۹۳ درصد را ثبت کردند و به طور شگفت‌انگیزی بهبود کیفیت را نشان دادند. این یعنی میزان مصرف آهن اسفنجی به‌طور متوسط در هر ذوب حدود هشت تن کاهش یافته و برای تولید محصول نهایی مواد اولیه کمتری را مورد مصرف قرار گرفته است. وی با اشاره به اهمیت کاهش مصرف مواد اولیه در سود آوری و کاهش مصرف انرژی گفت: هر چه مصرف مواد اولیه کمتر باشد، به تبع آن انرژی مصرفی نیز با کاهش مواجه خواهد شد. و هر دو عامل باعث کاهش بهای تمام شده و افزایش میزان سودآوری شرکت خواهند شد. وی در ادامه تصریح کرد: از دیگر اقدامات مانهادینه کردن نگرش فرایندی بود. به طوری که برنامه‌ریزی مبتنی بر تفکر سیستمی و کنترل و پایش مستمر فرایند با اولویت و ایجاد سیستم‌های خودکنترلی در تمامی سطوح تولید، استانداردسازی و متعهد بودن به انجام درست کار، تعریف شاخص‌های کلیدی و عملکرد و ارزیابی مداوم نتایج و به کارگیری اقدامات در جهت دستیابی به اهداف تعیین شده منجر به نتایج کمی و کیفی قابل توجهی در شرکت فولاد هرمزگان شده است. مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان، هماهنگی واحدهای تولیدی را دیگر عامل موفقیت فولاد هرمزگان دانست و اضافه کرد: طی دو سال اخیر شرکت، هم‌افزایی و همراهی بسیار خوبی میان همه بخش‌های فولادسازی مانند واحد تعمیرات، واحد ریخته‌گری، واحد نسوز و... به وجود آمده است. به این موارد می‌توان نوآوری و خلاقیت کارشناسان شرکت به ویژه در رابطه با کاهش توقفات سرباره و توقفات واحد فولادسازی برای تعمیرات را افزود. با انجام کار تیمی، توقفات واحد فولادسازی نسبت به گذشته کاهش چشمگیری داشت. در کنار آن تلاش شد رویکرد «پیشرفت دائمی و مداوم» در انجام فعالیت سرلوحه کار قرار گیرد و برای بهره‌وری مداوم و بهبود روش‌های کار تلاش شود. معروفخانی تاکید کرد: در فولاد هرمزگان تمام کارکنان وظایف خود را به نحو احسن انجام می‌دهند و به کوچک‌ترین جزئیات فولادسازی توجه می‌کنند. و این موضوع یکی از رموز موفقیت شرکت به شمار می‌رود. زیرا بررسی جزئیات و چالش‌ها، یافتن ایرادها و حل مسائل، جلوی تکرار را در آینده می‌گیرد و به عملکرد بهتر فولاد هرمزگان کمک می‌کند. پس از اینکه تجهیزات بهینه و نیروهای انسانی به وظایف خود عمل کردند، میزان تولید مطابق با ظرفیت اسمی طراحی شده کارخانه محقق خواهد شد و حتی می‌توان مازاد بر ظرفیت اسمی کارخانه نیز محصول تولید کرد. وی در پایان با تبریک دوباره رکوردشکنی‌های پی در پی فولاد هرمزگان در سه ماه اخیر، بیان کرد: امیدواریم در ماه‌های آتی، محدودیت‌های انرژی سد راه تولید نشود و بتوانیم عملکرد درخشان خود را همچون سه ماه اخیر، تا پایان امسال تکرار کنیم. دستیابی به ظرفیت اسمی تولید مهم‌ترین هدف ما در سال جاری خواهد بود و مصمم هستیم در راستای تحقق شعار سال و دستور مقام معظم رهبری مبنی بر تولید، فراتر از ظرفیت اسمی محصول تولید کنیم.





روزگار معدن

گفت‌وگو

۴ شنبه
۵ آذر ۱۴۰۱
اول جمادی‌الاول ۱۴۴۴
۲۶ نوامبر ۲۰۲۲
سال پنجم ● شماره ۹۶۷

در گفت‌وگوی «روزگار معدن» با اعضای سندیکای

جای خالی بخش خصوصی در

شهریار خادمی - نگار جمال‌زاده

قطع مستمر برق به یکی از نگرانی‌های اساسی شهروندان تبدیل شده است اما این مسئله به بخش خانگی محدود نشده و قطعاً تاثیرات نامطلوب بسیاری بر صنعت کشور به‌جای می‌گذارد زیرا انرژی و درصدر آن، انرژی الکتریکی، یکی از زیرساخت‌های بنیادی تولید و توسعه و رونق آن است. چرا کسری برق به یکی از چالش‌های مهم عرصه حوزه صنعت کشور تبدیل شد؟ آیا دولتمردان در روند سیاست‌گذاری به خطا رفته‌اند؟ بخش خصوصی در این حوزه چه نقشی بر عهده دارد؟ چگونه می‌توان طرحی نو درانداخت و چشم‌انداز امیدوارکننده‌تری ترسیم کرد؟





۱۸ هزار مگاوات کمبود برق داریم



آقای خوش‌گفتار به‌عنوان رئیس هیئت‌مدیره سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق ازنظر شما مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات صنعت برق چه مواردی هستند؟

ابراهیم خوش‌گفتار: ابتدا باید بگویم ما تعریفی از ماهیت تامین برق در کشور نداریم. به عبارتی می‌توان گفت امر تامین برق در کشور به‌عنوان یک خدمت دولتی و عمومی تلقی می‌شود. تا زمانی که این نگرش وجود داشته باشد، مشکل صنعت برق حل نخواهد شد. این در حالی است که در دنیا، برق به‌عنوان یک کالا با سازوکار اقتصادی عرضه و خریدوفروش می‌شود که معمولاً شرکت‌های تولیدکننده برق (که عمدتاً خصوصی هستند) به شبکه برق (که دولتی است) این کالا را عرضه و شبکه برق نیز به مصرف‌کننده در قالب کالا می‌فروشد. به عبارتی می‌توان گفت در عرف صنعت برق اغلب کشورها، در زنجیره تامین انرژی برق شامل تولید، انتقال و توزیع، بخش دولتی صرفاً وظیفه انتقال را به عهده دارد که آن هم به دلیل حساسیت و اهمیت این انرژی است. در کشور ما صنعت برق شاید تنها صنعتی است که از بخش کاملاً خصوصی به بخش دولتی منتقل شده است. در سال ۱۳۴۶ با تاسیس وزارت آب و برق، این صنعت که در دست بخش خصوصی بود، به صنعتی کاملاً دولتی تبدیل و در اوایل دهه ۸۰ مجدداً مالکیت بخش‌هایی از آن به عهده بخش خصوصی سپرده شد. متاسفانه هنگامی که این اتفاق رقم خورد یک نهاد مستقل تنظیم‌گر میان بخش خصوصی و دولتی تشکیل نشد و تمامی سیاست‌گذاری‌ها و اختیارات به‌رغم حضور بخش خصوصی در این صنعت برعهده بخش دولتی واگذار شد، از این‌رو اداره این صنعت تا به امروز به دست دولت انجام می‌شود و بخش خصوصی فعال در تولید برق کم‌ترین نقش را در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات این بخش دارد. این نوع نگرش و مدل رفتاری با بخش خصوصی باعث شد تا به‌مرور انگیزه حضور این بخش برای سرمایه‌گذاری در این صنعت کاهش یابد و این‌گونه دچار بحران سرمایه‌گذاری، به‌ویژه از سال ۱۳۹۲ به بعد در حوزه صنعت برق شدیم. در این دوران، وزارت نیرو از پرداخت هزینه خرید انرژی برق از نیروگاه‌ها امتناع کرده، تا جایی که به‌مرور مطالبات نیروگاه‌های خصوصی بابت فروش برق به وزارت نیرو انباشته شد و سرمایه‌گذاران را با مشکلات اقتصادی گسترده‌ای مواجه کرده است. در چنین شرایطی طبیعی است که سرمایه‌گذار، سرمایه خود را در جایی به کار گیرد که از بازگشت سود و سرمایه‌اش اطمینان داشته باشد. از سال ۹۲ این سوال برای تمام سرمایه‌گذاران اعم از دولتی و غیردولتی به وجود آمد که آیا در حوزه صنعت برق کشور سرمایه‌گذاری کنیم یا نه؟ هیچ‌کس پاسخ مشخصی برای این سوال نداشت. این موضوع دقیقاً در سال‌هایی رخ داد که افراد در پتروشیمی‌ها، فولاد، سیمان و... سرمایه‌گذاری می‌کردند و سودهای قابل‌توجهی نیز به دست می‌آورند. برای مثال کسانی که در آن روزها در حوزه پتروشیمی رقمی برابر ۷۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرده بودند امروزه به رقمی بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان، دست پیدا کرده‌اند. اما کسی که در سال ۹۲ در حوزه برق ۱۰۰۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کرده بود امروزه در بهترین حالت به عدد ۲۱۰۰ میلیارد تومان رسیده است. به همین دلیل سرمایه‌گذار مایل به سرمایه‌گذاری در این صنعت نیست. اما سوال اینجاست که چرا سرمایه‌گذاری در این حوزه سودده نیست؟ در پاسخ به این سوال پاسخ‌های متفاوت و متعددی وجود دارد. اولین پاسخ این است که هرسال برای فروش برق به مشترکان مختلف قیمت‌های تکلیفی مشخص می‌شود. این قیمت تکلیفی هزینه‌های برق را کفاف نمی‌دهد و موجب کاهش منابع مالی وزارت نیرو می‌شود. به همین دلیل فشار نبود منابع مالی کافی در وزارت نیرو به بخش خصوصی تولیدکننده برق وارد می‌شود. از موارد تحمیل فشارهای مالی به بخش خصوصی می‌توان به انباشت مطالبات از وزارت نیرو و ثابت ماندن قیمت خرید برق توسط وزارت نیرو از نیروگاه‌های خصوصی طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۹ اشاره کرد. این درحالی است که تمام کالاها و خدمات در این سال‌ها مشمول افزایش قیمت شدیدی شده‌اند. این مسائل موجب گریز سرمایه از بخش تولید برق و کاهش تولید و درنتیجه بروز خاموشی در سال‌های اخیر شد. در ۲، ۳ سال گذشته خاموشی‌ها مدیریت‌شده بود، یعنی خاموشی صنایع را به‌گونه‌ای تنظیم می‌کردند که به بخش خانگی فشاری وارد نشود. اما در سال ۱۴۰۰ این موضوع قابل مدیریت نبود و بحران خاموشی در تمام کشور هویدا شد. در سال ۱۴۰۱ مجدداً این بحران مدیریت شد و خاموشی‌ها تنها در بخش صنایع اعمال شد. من معتقدم که بحران خاموشی‌ها تا ۱۰ سال آینده نیز ادامه‌دار خواهد بود؛ چراکه اگر ما همین امروز هم شروع به ساخت نیروگاه کنیم، ۵ سال دیگر به بهره‌وری لازم می‌رسند و پاسخگوی نیازهای ما خواهند بود. درحال‌حاضر حدود ۱۸ هزار مگاوات کمبود برق داریم و در بهترین حالت اگر تمام تلاش خود را به کار گیریم سالانه حدود ۴ هزار مگاوات از این میزان کسری را جبران خواهیم کرد. نکته‌ای که نباید از آن غافل بود این است که هر چه پیش می‌رویم نیروگاه‌های موجود ما فرسوده می‌شوند و باید جایگزینی برای آنها داشته باشیم و از طرفی هم نیاز ما در حال افزایش است. ترکیب این ۲ موضوع با یکدیگر به ما این نتیجه را می‌دهد که ما حداقل تا یک دهه آینده با بحران خاموشی و تأمین برق مواجه خواهیم بود. ما از سال ۱۳۹۴ می‌دانستیم که در سال ۱۴۰۰ به ۷۰ هزار مگاوات تولید برق نیاز داریم ولی با اهمال‌کاری و پشت گوش انداختن به وضعیت کنونی رسیده‌ایم و در بهترین حالت تولید ما به ۶۰ هزار مگاوات رسیده است. اکنون نیز می‌دانیم که در سال ۱۴۰۲ به ۷۶هزار مگاوات تولید برق احتیاج داریم ولی آنچه قادر به تولید آن خواهیم بود قطعاً از این مقدار کمتر است. باید در برنامه‌ریزی‌های تولید برق، هدف‌گذاری‌های کشور براساس رشد سایر شاخص‌ها ازجمله رشد اقتصادی، افزایش جمعیت و مسائل جانبی آن انجام شود. ذکر این نکته نیز خالی از اهمیت نیست که در حوزه برق سرمایه‌گذاری هنگفتی توسط شرکت‌های مختلف انجام شده است که در بروکراسی دولت گرفتار شده‌اند. نیروگاه‌هایی هستند که با وام ارزی از صندوق توسعه ملی در حوزه صنعت برق کشور سرمایه‌گذاری کرده‌اند. با جهش نرخ ارز در سال‌های اخیر این نیروگاه‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شده‌اند. نیروگاه‌هایی که براساس قرارداد متقابل در سال ۱۳۹۲ بخش بخار را اجرا کردند تقریباً ۲/۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کردند و با توجه به افزایش چندین برابری نرخ ارز از سال ۹۲ تاکنون، متاسفانه امروزه برای چگونگی بازپرداخت این تسهیلات کسی پاسخگوی آنها نیست. درصورتی که اگر این افراد در هر حوزه دیگری سرمایه‌گذاری می‌کردند سود خوبی عایدشان می‌شد.

گفته می‌شود که صنایعی که میزان مصرف برق بالایی دارند باید برای خود نیروگاه بسازند. به نظر شما این موضوع منطقی است؟

خوش‌گفتار: هر دستگاهی که در حوزه اجرایی کشور وجود دارد دارای مسئولیت‌هایی است. مسئول تامین برق کشور وزارت نیرو است. سال‌های سال است که پتروشیمی‌ها و پالایشگاه‌ها بر این باورند که نباید به شبکه سراسری توزیع برق وصل شوند و باید از نیروگاه‌های مختص خود بهره‌مند باشند. این موضوع از آنجایی نشأت می‌گیرد که حوزه صنعت نفت و صنایع جانبی آن بسیار پردرآمد است یا به عبارتی تاسیس نیروگاه برای این حوزه عدد چندان چشمگیری به‌حساب نمی‌آید و می‌توانند برای اطمینان خاطر، نسبت به احداث نیروگاه اختصاصی اقدام کنند. به صنایع مختلف مانند فولاد و... نیز توصیه می‌شود که در این حوزه سرمایه‌گذاری و با ساخت نیروگاه، برق خود را به‌صورت اختصاصی تأمین کنند. اگر به عدد جمع این سرمایه‌گذاری‌ها دقت کنیم با رقم هنگفتی روبه‌رو خواهیم شد. حال هرچقدر وزارت نیرو از سرمایه‌گذاری در این بخش حمایت کند به نفع شبکه برق کشور خواهد بود.

سیاست‌های بانکی ضدمنافع نیروگاه‌هاست

آقای غیاث‌الدین به‌عنوان دبیر سندیکا، دولت برای حمایت از فعالان صنعت برق چه اقداماتی باید انجام دهد؟

پرویز غیاث‌الدین: تکلیف این موضوع را قانون مشخص کرده است. همان‌طور که می‌دانیم وزارت نیرو مسئول تامین برق کشور است. از طرفی قوانین متعددی در حمایت از صنعت برق تدوین شده است. اما نکته اینجاست که به این قوانین عمل نمی‌شود. برای مثال مجلس یا دولت تکلیف می‌کند که برای برخی از مشترکان، برق یارانه‌ای در نظر گرفته شود. به عبارتی قیمت فروش برق به‌مراتب پایین‌تر از قیمت تمام‌شده آن است. مابه‌التفاوت این دو عدد را چه کسی باید پرداخت کند؟ بر اساس قانون موجود، مابه‌التفاوت قیمت تکلیفی فروش برق با قیمت تمام‌شده آن باید از سوی سازمان برنامه‌وبودجه به وزارت نیرو پرداخت شود اما این کار انجام نمی‌شود. برای احداث یک نیروگاه معمولی به سرمایه‌گذاری بسیار هنگفتی نیاز است. نه سرمایه‌گذار و نه هیچ بانکی قادر به تامین این میزان مبلغ نیست. حتی کنسرسیومی متشکل از چند بانک نیز چنین وامی در اختیار سرمایه‌گذار قرار نمی‌دهد. بنابراین باید به سراغ صندوق توسعه ملی که به همین منظور تأسیس شده رفت. اولین سوال صندوق این است که محل بازگشت این پول از کجا خواهد بود؟ احداث‌کننده نیروگاهی چه پاسخی برای این سوال خواهد داشت؟ وزارت نیرو برای حل این مشکل رویه‌ای را در دولت مصوب کرده است که براساس آن بانک مرکزی موظف شده برای بازپرداخت وام ارزی به صندوق توسعه ملی ارز را برای این سرمایه‌گذاران به قیمت رسمی تعیین کند. اما در سررسید اقساط، بانک مرکزی برخلاف مصوبه هیأت‌وزیران در سال ۱۳۹۴ قیمت ارز را با قیمت بازار محاسبه می‌کند. نیروگاه‌ها با این سیاست بانک مرکزی قادر به پرداخت اقساط خود نخواهند بود و از طرفی فشار بانک‌های عامل نیز به این مشکل اضافه می‌شود و درنتیجه نیروگاه دریافت‌کننده تسهیلات ارزی به یک بدهکار بزرگ بانکی تبدیل می‌شود. درحالی‌که ارز دریافتی را در احداث نیروگاه هزینه کرده است و حالا باید برای بازپرداخت آن چند برابر باید متحمل هزینه شود. با این توصیف سرمایه‌گذار جدیدی وارد این حوزه نخواهد شد.



دولت در برنامه ششم توسعه نسبت به رفع مشکلات و چالش‌های صنعت برق تاکید فراوانی داشت. این در حالی است که بنا به گفته کارشناسان و اهالی فن تنها ۲۸درصد از این برنامه پیش رفت و اکنون صحبت از برنامه هفتم توسعه به میان آمده است. به عقیده شما مهم‌ترین اولویت‌های صنعت برق کشور که باید در این برنامه مدنظر قرار بگیرد چه مواردی هستند؟

غیاث‌الدین: من سال ۱۳۶۱ وارد صنعت برق شدم. در آن دوران مسئولان در حال برنامه‌ریزی برای سال ۱۳۹۵ بودند. وزارت نیرو در آن زمان برنامه‌های ۵ساله خود را تدوین می‌کرد و براساس اطلاعاتی که از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مختلف دریافت می‌کرد به‌صورت مشخص می‌دانست که در هر منطقه‌ای به چه میزان انرژی برق نیاز است. براساس بررسی‌های انجام‌شده در خصوص رشد جمعیتی و رشد صنعتی مناطق مختلف کشور، وزارت نیرو می‌دانست که در سال ۹۵ هر نقطه از کشور به چه میزان نیروگاه و پست‌های برق احتیاج دارد. در برنامه توسعه ششم، دولت مکلف شده بود که در طول برنامه، ۲۵ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی را احداث کند. مسئولان دولتی بر این باورند که طی این برنامه، به میزان ۳۰هزار مگاوات نیروگاه را کلنگ‌زنی کرده‌اند. اما آنچه ما می‌دانیم یک مگاوات نیروگاه جدید هم کلنگ‌زنی نداشته‌ایم. تکالیف دولت در حوزه صنعت برق در برنامه هفتم با برنامه‌های پنجم و ششم تجمیع خواهد شد و این موضوع کار را برای اجرا سخت خواهد کرد. دولت سیزدهم اوایل روی کار آمدنش اعلام کرد که ظرف ۴سال آینده ۴میلیون مسکن تولید خواهد کرد؛ این تعداد واحد مسکونی به ۴میلیون کنتور برق و انشعاب جدید احتیاج دارد. حال سوال اینجاست که برای تامین برق این ۴ میلیون واحد مسکونی چند نیروگاه باید تاسیس و چه تعداد پست برق احداث شود؟ دولت در هدف‌گذاری‌های خود رشد اقتصادی ۸ درصد را در برنامه هفتم در نظر گرفته است؛ آیا این رشد اقتصادی بدون تامین برق معنا دارد؟ براساس فرمول‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که برای یک درصد رشد اقتصادی به چه میزان برق احتیاج است. هدف‌گذاری دیگر دولت افزایش جمعیت است و این در حالی است که برای سیاست‌گذاری افزایش جمعیت نیز تامین انرژی برق متناسب با رشد جمعیت باید موردتوجه قرار گیرد. دولت باید محاسبه کند که به میزان یک درصد افزایش جمعیت به چه میزان برق احتیاج است. این موارد باید بر اساس برنامه‌ریزی مشخصی، معین شوند. این برنامه باید با نظارت و پیگیری دقیق اجرا شود و تنها بر روی کاغذ نوشته نشود. قطعاً دفتر برنامه‌ریزی شرکت توانیر که برنامه‌های شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع سراسر کشور را تجمیع می‌کند اطلاعات جامع و کاملی از میزان نیاز برق هر منطقه دارد. تصور من این است که در برنامه هفتم توسعه حداقل ۳۵ هزار مگاوات باید به ظرفیت تولید برق اضافه شود. ذکر این نکته را نیز ضروری می‌دانم؛ وقتی عنوان می‌شود ما در دوران پیک ۱۴ هزار مگاوات کمبود برق داریم به این معنی نیست که ۱۴ هزار مگاوات نیروگاه باید ظرفیت آن ۵۰۰ مگاوات است. نباید فراموش کرد که منظور، ۵۰۰ مگاوات در شرایط ایزو است. شرایط ایزو مناسبات خاصی از نظر شرایط آب و هوایی و اقلیمی دارد. به عبارتی سقف این ظرفیت ۵۰۰ مگاوات است و لزوماً در هر شرایطی نمی‌تواند این میزان را تولید کند. بنابراین با محاسبه همه این موارد به این نتیجه می‌رسیم که برای ۳۵ هزار مگاوات افزایش ظرفیت، حداقل باید ۴۵ هزار مگاوات ظرفیت نیروگاهی احداث کرد تا با توجه به بحث‌های گفته‌شده و مسئله تلفات، بتوان ۳۵ هزار مگاوات برق را به مشترکان تحویل داد. متاسفانه بیشترین فشار ناشی از کمبود برق کشور در درجه اول به صنایع و بلافاصله و با تاخیر زمانی اندک به مردم وارد می‌شود. وقتی برق صنایع سیمان یا فولاد قطع می‌شود و تولید آن کاهش می‌یابد، موجب کمبود این محصولات در بازار و افزایش قیمت آنها می‌شود. نهایتاً سازنده مسکن باید سیمان یا نیازهای دیگر را به هر قیمتی که شده خریداری کند. این‌گونه قیمت نهایی مسکن افزایش می‌یابد و درنهایت این افزایش قیمت بر مردم تحمیل می‌شود.

صنعت برق موتور محرک همه صنایع است

آقای مهندس کاظمی، شما به‌عنوان یکی از مدیران نیروگاه‌های خصوصی و عضو سندیکا بفرمایید که افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در تولید برق و راه‌کارهای برون‌رفت از مشکلات فعالان بخش خصوصی در تولید برق چیست و حمایت‌های لازم از بخش خصوصی چگونه باید انجام شود؟

نصرت‌الله کاظمی: در ابتدا لازم می‌دانم به علت افزایش اهمیت صنعت برق در سالیان اخیر چه در میان متولیان این حوزه و چه در میان عموم مردم اشاره کنم. افزایش اهمیت انرژی برق دلیلی جز به روز تبعات ناشی از نا ترازی میان تولید و مصرف برق ندارد. از طرف دیگر با توجه به توضیحاتی که همکاران به آنها اشاره کردند، صنعت برق همانند یک فرایند مستلزم برنامه‌ریزی و هدایت است؛ به همین جهت می‌توان گفت نا ترازی میان تولید و مصرف معلول مشکلات این حوزه است. با توجه به شرایط کنونی بهتر است ما به‌جای تشخیص معلول‌ها در پی یافتن علل اصلی باشیم. به باور من با شناخت این علت‌ها و رفع آنها می‌توان راه‌های برون‌رفت از مشکلات را دریافت. در پاسخ به سوال شما لازم است به جلسات متعددی که نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذار در سال‌های اخیر برگزار شده است، اشاره کنم. در آن جلسات شرایط تامین برق در سال‌های پیش‌رو توسط کارشناسان و فعالان حوزه تامین برق هشدار داده و پیشنهادها و توصیه‌های لازم به متولیان این حوزه ارائه شد. به‌عبارت‌دیگر، متذکر شدیم که اگر بنا براین است ما در سال‌های آتی با مشکلاتی از این قبیل مواجه نباشیم باید از همین لحظه درصدد رفع چالش‌های این حوزه برآییم. به این دست از پیشنهادها آنطور که باید و شاید اهمیت لازم داده نشد و ما اکنون شاهد تعدد مشکلات این صنعت هستیم. لازم به ذکر است صنعت برق جزء معدود صنایع کشور است که از پیش میزان نیاز تولید و مصرف آن با آمار دقیق و مورد اطمینان، قابل پیش‌بینی است. این امر فرصتی در اختیار کارشناسان صنعت برق قرار می‌دهد تا برنامه‌ریزی‌های این حوزه را با دقت لازم و کافی انجام دهند. به‌عبارت‌دیگر، پیش‌بینی وضعیت صنعت برق و ارائه پیشنهادهایی در راستای رفع مشکلات این صنعت، کار دشواری به نظر نمی‌رسد. از اوایل دهه ۸۰، دولت تصمیم گرفت تا بخش خصوصی نقش پررنگ‌تری در حوزه تولید برق ایفا کند، اما به باور من این تصمیم آن‌طور که باید و شاید در عرصه عمل اجرایی نشد. بنابراین بود که بخش خصوصی با یکسری از حمایت‌های از پیش تعیین‌شده وارد صنعت برق شود و پس از چند سال این بخش بتواند به‌نوبه خود در بازار رقابت این صنعت خودی نشان دهد. همچنین در ادامه تصمیم بر آن بود که بخش خصوصی بتواند حوزه خود را باز تولید کند و مسیر توسعه خود را بی‌آفریند اما نقشی که امروز بخش خصوصی در صنعت برق برعهده دارد با آن تصمیمی که ۲ دهه پیش در این راستا اخذ شد، بسیار متفاوت است. به همین جهت برای برون‌رفت از مشکلات این صنعت بهتر است در وهله نخست نقاط ضعف اجرای این تصمیم را شناسایی کنیم. با توجه به شرایط خاصی که بر کشور حاکم است سرمایه‌گذاری، کم‌وبیش در بخش‌ها و صنایع مختلف کشور انجام‌شده اما همان‌طور که همکاران اشاره کردند در سرمایه‌گذاری در صنعت برق نسبت به سایر صنایع کاهش چشمگیری را در سالیان اخیر تجربه کرده است.

شرکت‌های تولیدکننده برق مطرح شد:

سیاست‌گذاری‌های صنعت برق

در آسیب‌شناسی کسری تولید برق؛ بسیاری، اتهام اصلی را متوجه صادرات می‌دانند. آنها معتقدند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. از طرف دیگر بسیاری بر این اعتقاد هستند که این تصور؛ ساده‌انگارانه است چون در صورت توجه کافی دولت، مانع‌زدایی و تغییر اساسی رویه‌ها؛ هم می‌توان نیاز داخلی را به‌خوبی تامین کرد و هم بازار خارجی را که در سایه سال‌ها تلاش حاصل شده است به رقبا نباخت. در گفتگویی که با اعضای سندیکای شرکت‌های تولیدکننده برق داشتیم از آنها درباره سوالات گفته‌شده پرسیدیم. بی‌شک توجه به نظرات کارشناسی و تخصصی فعالان بخش خصوصی می‌تواند راهگشا باشد و مسیر درست را مشخص بنماید...





عکس:روزگار معدن

من به‌نوبه خود علت این امر را عدم وجود پیش‌نیازهای لازم برای سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌دانم. درواقع، سرمایه، لازمه سرمایه‌گذاری در یک بخش است اما به‌تنهایی برای تحقق این امر کافی نیست. به‌عبارت‌دیگر سرمایه شرط لازم اما کافی برای سرمایه‌گذاری نیست. فناوری، امکانات، دانش و مهندسی روز از دیگر شروط لازم برای سرمایه‌گذاری در یک بخش هستند. ما شروط لازم را برای سرمایه‌گذاری در اختیار داریم اما نتوانسته‌ایم از امکانات موجود استفاده کنیم. برای مثال در حوزه نیروگاه‌های تجدیدپذیر ما از موهبت تابش مستمر خورشید در چهارفصل بهره‌مند هستیم اما در این حوزه عملکردی بسیار ضعیف از خود به‌جای گذاشته‌ایم. با برخورداری از این موهبت ما می‌توانستیم در عرصه صادرات این انرژی بسیار پرقدرت حاضر شویم اما ما نه‌تنها نتوانستیم از این ظرفیت بهره لازم را کسب کنیم، بلکه در تولید آن برای مصارف داخلی نیز به مشکلات متعددی برمی‌خوردیم و با خاموشی‌های مکرری روبه‌رو می‌شویم. بر اساس آمار، ۱۰۰ تا ۱۵۰دلار پر کیلووات ساعت در دنیا زیان خاموشی است. لازم به ذکر است که این آمار تنها بخش زیان مالی و درآمدی این حوزه را شامل می‌شود. جدای از این مسئله همان‌طور که می‌دانید اگر خاموشی‌ها در وقت بی‌وقت اتفاق افتد، بحران‌هایی جدی در پی دارد؛ حتی خاموشی یک چراغ راهنمایی می‌تواند باعث آسیب جانی شود و مقیاسی برای سنجیدن این دست از آسیب‌ها در دست نیست. و مهم‌تر از آن راهی برای جبران آنها وجود ندارد. به همین دلیل است که مشکلات این صنعت را باید به جد پیگیری کرد و راهکارهایی برای رفع این چالش‌ها یافت. برای برون‌رفت از این معضلات باید بسترهایی فراهم شود تا بتوان بازاری رقابتی برای عرضه این محصول ایجاد کرد. به باور من، ما نه‌تنها برای فراهم ساختن چنین بستری اقدامات لازم را انجام نداده‌ایم بلکه به‌طور کلی از مسیر ساخت بازاری رقابتی خارج شده‌ایم.



برای مثال ما ناگهان با مصوبه و آیین‌نامه‌هایی خلق‌الساعه مانند اجبار فروش درصدی از برق نیروگاه‌ها در بازار بورس روبه‌رو می‌شویم. این مصوبه سوالات و شبهات بسیاری با خود به همراه دارد. نخستین پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که اگر بورس یک بازار رقابت آزاد است چرا تولیدکنندگان باید به‌اجبار در این عرصه حضور پیدا کنند؟ اگر تولیدکنندگان توان رقابت داشته باشند خودجوش از بازار استقبال خواهند کرد و در غیر این صورت این اجبار راه به‌جایی نخواهد برد. لازم به ذکر است اختلافی که میان سرمایه‌گذاری‌ها در نیروگاه‌های مختلف بخش‌های غیردولتی وجود داشته موجب شده است تا با هزینه‌های تمام‌شده متفاوتی روبه‌رو باشیم. به‌عبارت‌دیگر، تمامی مصوبه‌ها و برنامه‌هایی که در راستای حمایت از این صنعت تدوین شده‌اند، باید روندی را در پیش می‌گرفتند تا اگر سرمایه‌گذاری با استفاده از منافع ریالی، ارزی و... در این حوزه سرمایه‌گذاری انجام داد در زمان معین و مشخصی شاهد بازگشت سرمایه خود باشد اما این امر میسر نشده است. مجموعه این عوامل سبب شده تا ما با نیروگاه‌هایی مواجه باشیم که به‌طور کلی نتوانسته‌اند خرج و دخل خود را تنظیم کنند و در آستانه ورشکستگی قرار دارند. بنابراین اولین راهکار برای برون‌رفت از این دست مشکلات، همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد این است که ما این پدیده را به‌طور کامل بشناسیم. ما تا یک پدیده را به‌طور کامل نشناسیم بی‌شک نمی‌توانیم برای اصلاح و بهبود آن گامی روبه‌جلو برداریم. از آنجاکه ایجاد بستری مناسب برای فضای رقابتی در صنعت برق، یا فراموش‌شده یا جدی گرفته نشده است، اکنون ما با مشکلات بسیاری در این حوزه مواجه هستیم. سوال اینجاست که ما در پی چه هستیم و هدف اصلی ما چیست؟ آیا ما می‌خواهیم تنها در یک رسانه حرف‌های عامه‌پسند بر زبان بیاوریم یا درپی آنیم که این چالش را کارشناسانه موردبررسی قرار دهیم و درصدد رفع موانع این صنعت گام برداریم؟ اگر از برنامه پنجم به بعد سرمایه‌گذاری در این حوزه انجام نشده است به دلیل حمایت‌هایی است که باید انجام می‌شد اما تنها در عرصه سخن باقی‌ماند. بر این باور هستم که برون‌رفت از این مشکلات امری پیچیده نیست؛ تنها کاری که باید انجام شود این است که شرایطی متناسب با سرمایه‌گذاری‌ها و ضرورت‌های کنونی فراهم کرد. درمجموع می‌توان گفت راهکارهای برون‌رفت از این مشکلات را می‌توان در عواملی جست که سبب شده تا سرمایه اولیه و سود لازم سرمایه‌گذاران به ایشان بازنگردد. بدون تردید، فعالان اقتصادی حداقل انتظاراتی دارند و یکی از آنها این است که اگر در زمینه‌ای سرمایه‌گذاری انجام می‌دهند؛ بتوانند از حداقل سود لازم بهره‌مند شوند. عدم وقوع این امر یکی از عواملی است که سبب شده تا شاهد کاهش سرمایه‌گذاری در این عرصه باشیم و به‌تبع پیامدهای ناشی از آن گریبانگیر تمامی بخش‌های مختلف جامعه شود. به‌طورکلی اگر بخواهم ۲ راهکار برای برون‌رفت از این مشکلات ارائه دهم در وهله نخست باید بگویم مشکلات نیروگاه‌هایی که بدهکاری وام‌های ارزی دارند باید رفع شود و سپس امکاناتی که در کشور به‌صورت بالقوه برای پیشرفت این دست از نیروگاه‌ها فراهم است را در اختیارشان قرار داد. اگر بتوان این ابر چالش را برطرف ساخت، صنعت برق به‌عنوان صنعت زیرساختی کشور و همچنین موتور محرکه صنایع دیگر می‌تواند در راستای ایجاد بسترهای لازم برای رشد و توسعه بخش‌های مختلف جامعه مانند فرهنگ، اقتصاد، صنایع و... کمک‌های شایانی کند.

بخش خصوصی نباید تحت‌فشار باشد

در سالیان اخیر موضوع تاسیس نهاد مستقل تنظیم‌گر بخش برق مطرح است و از آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین الزامات اصلاح ساختار صنعت برق یاد می‌شود. بااین‌حال، به نظر می‌رسد که این اقدام با بن‌بست مواجه شده است. سوال اینجاست که تاسیس نهاد رگلاتوری برق چه تاثیری بر این صنعت دارد و تعویق این امر چه چالش‌هایی را ایجاد می‌کند؟

خوش‌گفتار: از سال ۹۶ تاسیس این نهاد مطرح و در سال ۹۷ کمیته‌های تدوین اساس‌نامه آن تشکیل شد. باید بگویم که نمایندگانی از مجلس، سندیکای تولیدکنندگان برق، وزارت نیرو و تمامی ذی‌نفعان این حوزه، اعضای کمیته‌های تشکیل نهاد مستقل تنظیم‌گر برق را تشکیل می‌دادند. قریب به دو سال و نیم این موضوع موردبررسی قرار گرفت و درنهایت به‌صورت لایحه به مجلس ارائه داده شد. این لایحه در نوبت دستور مجلس برای طرح در صحن بود که با تغییر دولت، اولین اقدامی که وزارت نیرو کرد بازپس‌گیری این لایحه از مجلس بود.

به اعتقاد من این نهاد به معنای سازمانی واسطه‌گر میان بخش خصوصی و دولتی است. برداشت من این است که ساختار وزارت نیرو برای ایجاد این نهاد تمایلی ندارد. علت عدم این تمایل را می‌توان این دانست که اگر این نهاد تاسیس شود بخشی از مسئولیت‌های وزارت نیرو به عهده نهاد رگلاتوری سپرده می‌شود. در چنین شرایطی ساختارهای کنترلی وزارت نیرو نقش کمرنگ‌تری را در این حوزه ایفا می‌کنند. به‌عبارت‌دیگر، کنترل تمام و کمال این حوزه از دست وزارت نیرو خارج می‌شود و به همین دلیل اقداماتی که در راستای تاسیس این نهاد انجام شده تاکنون راه به‌جایی نبرده است. لازم می‌دانم درباره نقش و اهمیت تاسیس این نهاد چند نکته را متذکر شوم. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد از سال ۹۳ تا ۹۹ نرخ خرید برق و نرخ آمادگی نیروگاه‌های تولیدکننده برق ثابت بوده است؛ درحالی‌که در طول این مدت میزان نرخ تعرفه برق خانگی بیش از ۲ برابر افزایش قیمت داشته است. پیش‌تر نیز قانون‌گذاران اعلام کرده بودند که در ابتدای هرسال باید قیمت‌های خرید برق از نیروگاه‌ها و نرخ آمادگی اعلام شود اما این امر نیز تحقق نیافته است.

ازآنجاکه برق یک کالای استراتژیک است، بر این اساس، بخش خصوصی فعال در این حوزه را تحت‌فشار قرار می‌دهیم و چالش‌های این حوزه به دلیل عدم پیگیری بلاتکلیف می‌مانند. همان‌طور که دوستان اشاره کردند ابر چالش‌های بسیاری در راستای رشد و ترقی این صنعت وجود دارند، مسائلی که در این نشست به آنها اشاره شد تنها بخشی از مشکلات کلان این صنعت را شکل می‌دهند. تاسیس نهاد رگلاتور می‌تواند بخشی از این مشکلات کلان را رفع کند. برای مثال این نهاد می‌تواند تنظیم کند که بخش خصوصی و دولتی هرکدام به‌نوبه خود چه مسئولیت‌هایی را در این حوزه برعهده گیرند و یا قیمت‌گذاری این صنعت بر چه اساسی صورت گیرد. این امور تنها بخشی از مسئولیت‌هایی است که این نهاد می‌تواند آنها را بر عهده گیرد و چاره‌ای برای رفع از این مشکلات بیندیشد.

علاوه‌بر اینکه تاسیس این نهاد به تعویق افتاده است. هیچ‌کدام از تولیدکنندگان و بخش خصوصی جزء اعضای فعلی هیئت تنظیم بازار نیستند و تمام ساختار این نهاد را اعضای وزارت نیرو تشکیل می‌دهند. شایان‌ذکر است که پس از بازپس‌گیری لایحه تاسیس این نهاد از مجلس، جلساتی در راستای رفع موانع تاسیس این نهاد برگزار شد اما تا به این لحظه اقداماتی عملی در این زمینه انجام نشده است. امید می‌رود که تاسیس نهاد تنظیم‌گر با ساختاری معقول دوباره در دستورکار قرار گیرد و بتوانیم از این طریق عملکرد این صنعت را ارتقا بخشیم.

منافع ملی نه دولتی است نه خصوصی

به تعویق افتادن تشکیل نهاد رگلاتور چه پیامدهای منفی برای صنعت برق و اقتصاد ایران دارد؟

غیاث‌الدین: تاسیس نهاد رگلاتوری تنها ویژه نیروگاه‌ها نیست بلکه هر شرکت و هر شخصی که به‌نوعی با حوزه برق سروکار دارد، تحت‌تاثیر تاسیس این نهاد قرار می‌گیرد. برای مثال وزارت نیرو به‌عنوان تامین‌کننده و عرضه‌کننده برق، مشترکان مصرف‌کننده، تولیدکننده و... در زمره سازمان‌هایی هستند که تاسیس این نهاد می‌تواند اثری مستقیم بر عملکرد آنها به‌جای گذارد. به باور من پیش از مطرح کردن بخش خصوصی باید نهاد تنظیم‌گر تاسیس می‌شد. همان‌طور که همکاران پیش‌تر اشاره کردند ماه‌ها جلسات متعددی با کارشناسان وزارت نیرو برگزار شد و درنهایت پس از صرف زمان بسیار اساس‌نامه این نهاد تدوین شد. گاهی تنها ۳ ساعت زمان صرف توافق بر یک جمله از یک بند ماده‌ای می‌شد و اساس‌نامه‌ای که با این مشقت تهیه شده است در وزارت نیرو به‌صورت کلی رد می‌شود. درحال‌حاضر نیروگاه، برق خود را در اختیار وزارت نیرو قرار می‌دهد اما هیچ اختیاری برای تعیین نرخ محصول خود ندارد. ایجاد نهاد تنظیم‌گر یا رگلاتوری حتی برای مشترکان نیز مورد نیاز است. برای مثال شما درخواست انشعاب برق دارید. برای این درخواست حق انتخاب ندارید، می‌گویند بروید اداره برق و هرچه گفت باید عمل کنید. یعنی کسی که انشعاب واگذار می‌کند، برای شما تعیین تکلیف می‌کند، درحالی‌که باید حق انتخاب را فرد متقاضی انشعاب داشته باشد، درست همانند خرید وسایل از مغازه‌ها، اما اینجا حق انتخاب نداریم و همه‌چیز برپایه انحصار است. قانون این موضوع را پیش‌بینی کرده و می‌گوید باید یک نهاد تنظیم‌گر بین خریدار و فروشنده وجود داشته باشد. این انحصار درحال‌حاضر در مورد نیروگاه‌ها که فروشنده برق هستند و هم وزارت نیرو که خریدار است، وجود دارد. البته باید بیان کرد که ترکیب نهاد که در قانون تعریف شده، ترکیبی مستقل است؛ پیش‌بینی به‌این‌ترتیب است، کسی که حتی یک سهم در نیروگاه دارد، نمی‌تواند عضو نهاد تنظیم‌گر شود. در سایر کشورها وقتی تجدید ساختار را در صنعت برق شروع کردند در مرحله اول نهاد تنظیم‌گر برق را تاسیس کردند. که از روز اول ارتباط منطقی بین فروشنده و خریدار تامین شود. امسال در زمان اوج مصرف برق که بیشترین فروش را نیروگاه‌های برق داشتند، نرخ جدیدی برای خرید برق از نیروگاه‌ها در بازار برق تعیین نشد، این در صورتی است که این نرخ باید در آغاز هرسال تعیین شود. اما امسال در ۲۳شهریور که گرما فروکش کرد و مصرف برق کاهش یافت، آمدند و نرخ تعیین کردند. به‌عبارت‌دیگر هر دستورالعمل یا هر مقرراتی را که خودشان بخواهند تایید یا لغو می‌کنند.

صمت: راهکار شما در گره‌گشایی از موضوع تشکیل رگلاتوری مستقل برق چیست؟

کاظمی: پیش از پاسخ به این سوال، نیاز است که ضرورت تشکیل نهاد رگلاتوری برق را بررسی کنیم. وقتی همه‌چیز در اختیار دولت است، بحث صنعت برق با خیلی از صنایع دیگر متفاوت است و اگر گریزی زده می‌شود به مسائل خاص، واقعیت این است مخاطب کسانی هستند که دغدغه این صنعت را دارند. تا قبل از دهه ۸۰ که تولید در دست دولت بود، براساس آیین‌نامه‌ها، وزارت نیرو مکلف است، برق دائم در اختیار همه مشترکین قرار دهد. وقتی تصمیم گرفته می‌شود که بخشی از این مسئولیت به جای دیگری واگذار شود، تضاد منافعی خودبه‌خود ایجاد می‌شود. به‌عبارت‌دیگر حادترین شرایط در حالت گذار شکل می‌گیرد.

چون در حالت گذار دولت درواقع همه نقش‌ها را در اختیار دارد. در این حالت است که ما باید دولت را یک سیاست‌گذار بدانیم نه مجری و مالک. همواره ضرورت حفظ منافع ملی دغدغه تمام کسانی بوده که این راه را پیموده‌اند و با چنین اقدامی به توسعه دست پیدا کرده‌اند. برای حفظ این منافع ملی تصمیم بر این بوده که یک نهاد مستقل که نه دولتی است و نه متعلق به بخش غیردولتی است (به عبارتی نفع گروه خاصی را تأمین نمی‌کند) تشکیل شود. ما معتقدیم که ذات انسان زیاده‌خواه است. در همین راستا ممکن است بخش غیردولتی علی‌رغم اینکه کشور خود را دوست دارد دچار لغزش شود و از طرف دیگر ممکن است بخش دولتی که باید مدافع بخش دولت و حافظ بیت‌المال باشد نیز دچار خطای سهوی یا عمدی شود. در همین جهت این نهاد تنظیم‌گر باید این مسئله را به‌گونه‌ای حل‌وفصل کند که یک تصمیم‌گیری براساس منافع ملی انجام شود تا هم مشکلات از میان رود و هم ما دچار یک‌جانبه‌گرایی نشویم. ما باید تکلیف خود را با این مسائل مشخص کنیم. ما اگر مایل هستیم که یک نهاد تنظیم‌گر غیردولتی داشته باشیم باید الزامات آن را رعایت کنیم.

واقعیت امر این است که بخش نهاد تنظیم‌گر برق با ایده واگذاری و اجرای اصل ۴۴ در قانون مطرح بوده است. ما امروزه نیمی از این کار را انجام داده و نیمی را به امان خدا سپرده‌ایم. نکته قابل‌توجه اینجاست که این موضوع صرفاً به بخش صنعت برق مربوط نمی‌شود چراکه تمام واگذاری‌ها در کشور ما به همین صورت است.

برای انرژی ارزش قائل نیستیم

با تمام این تفاسیر چه وضعیتی را برای زمستان ۱۴۰۱ و تابستان ۱۴۰۲ ارزیابی می‌کنید؟

خوش‌گفتار: ما در فصل زمستان مشکل تأمین گاز و در فصل تابستان مشکل تأمین برق داریم و دلیل عمده آن این است که در سیاست‌گذاری‌ها دقت لازم را به عمل نیاورده‌ایم. ما هیچگاه در سیاست‌های کلان کشور به بخش انرژی توجه ویژه‌ای نداشته‌ایم. متأسفانه امروزه این ذهنیت در میان مردم وجود دارد که انرژی به میزان کافی موجود است و ما بی‌واهمه مصرف می‌کنیم. ریشه این ذهنیت از اینجا می‌آید که ما از اهمیت انرژی و ارزش واقعی آن آگاهی لازم را نداریم. در هنگام فصل سرما در شبکه‌های تلویزیونی زیرنویس می‌کنیم که «در مصرف گاز صرفه‌جویی کنید» و در فصل گرما نیز این زیرنویس را به «در مصرف برق صرفه‌جویی کنید» تغییر می‌دهیم. ما سال‌هاست که این زیرنویس‌ها را شبکه‌های تلویزیونی می‌بینیم و همین‌موضوع نشان‌دهنده این است که ما هنوز موضوع انرژی را به‌درستی متوجه نشده‌ایم و موفق نشده‌ایم به مردم آموزش دهیم که چطور انرژی را مصرف کنند.

امروزه به همه روستاها گازرسانی و برق‌رسانی شده است. وزارتخانه‌های نفت و نیرو هم از این موضوع استفاده تبلیغاتی خود را می‌برند اما نکته‌ای که در این میان وجود دارد این است که به علت کمبودهای موجود، در زمستان گازی وجود ندارد که به این روستاها برسد و در تابستان نیز برق را نمی‌توان به این روستاها رساند. این در صورتی است که اگر هر دو انرژی برق و گاز را با یکدیگر هم‌پوشانی می‌کردند؛ اکنون شاهد این دست از مشکلات نبودیم. برای مثال اگر تنها برق را به روستاها ارسال می‌کردند؛ این امر علاوه بر تامین برق، جایگزین نیاز گاز هم می‌شد، هم هزینه سرمایه‌گذاری کمتری اتفاق می‌افتاد و هم از نظر ملی انرژی کمتری مصرف می‌شد؛ از طرفی تکلیف مصرف‌کنندگان نیز مشخص بود و می‌دانست که در فصل سرما و گرما برق پایدار دارد.

متاسفانه این یک حقیقت غیرقابل کتمان است که ما برای انرژی ارزش قائل نیستیم. تا زمانی که این تفکر وجود داشته باشد، در زمستان برای تامین گاز و در تابستان برای تامین برق مشکل داریم. یارانه‌ای که در این بخش پرداخت می‌شود بسیار هنگفت است. کاش می‌شد مردم را توجیه کرد که مصرف بیش از حد تعیین شده مستلزم پرداخت هزینه بیشتر است.

وقتی مردم ارزش انرژی را از این طریق متوجه می‌شدند می‌توانستیم به صرفه‌جویی در این حوزه امیدوار باشیم. متاسفانه بخش حاکمیتی ما در این زمینه کوتاهی کرده است. من امیدوارم که تمام بخش‌های کشور مخصوصاً وزارت نیرو به قانون پایبند باشند. شاید پایبندی به قانون اذیت‌هایی را به همراه داشته باشد اما حُسن آن این است که دو طرف زبان مشترک خواهند داشت. از طرفی ما باید در مورد انرژی هم‌فکری و اندیشه کنیم و به این نتیجه برسیم که چگونه می‌توان بحران‌های این حوزه را با تعامل و واقع‌بینی کنترل و رفع کنیم.

روزگار معدن

استان‌ها

۶

شنبه
۵ آذر ۱۴۰۱
اول جمادی‌الاول ۱۴۴۴
۲۶ نوامبر ۲۰۲۲
سال پنجم ● شماره ۹۶۷

یادداشت

متولی آموزش پژوهش و فناوری کیست؟



علی معصومی
دبیر کل انجمن تحقیق و توسعه و نوآوری صنایع و معادن ایران

برای بررسی نقش آموزش در تکمیل زنجیره ارزش معدن و افزایش بهره‌وری باید دو دیدگاه ملی و بنگاهی را مد نظر قرار داد. از منظر ملی می‌توان گفت در حال حاضر در کشور برنامه‌ای مشخص برای رصد کیفیت آموزش و بررسی نیازهای امروز و آینده وجود ندارد؛ به‌عبارت دیگر هیچ تفسیر دقیقی از وضعیت موجود در دست نیست و نمی‌دانیم نقاط قوت و ضعف ما چه در بخش رسمی و دانشگاهی و چه حوزه کاربردی و عملیاتی کجا است؛ بنابراین هرچند می‌توان آمار شاغلان به تحصیل مثلا دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان و مانند آن را ارائه کرد اما اینکه آموزش‌ها چقدر توان کاربردی افراد را افزایش داده‌اند، نامعلوم است. این بحث مهم و مفصلی است اما در سطح کلان، کسی به دنبال یافتن پاسخ آن نیست. پیش‌تر معاونت آموزش، پژوهش و فناوری وزارتخانه مسئول رسیدگی به این موضوع و یافتن پاسخ این پرسش بود اما متاسفانه در دولت جدید این معاونت منحل شد. خلاصه اینکه می‌توان گفت در مقیاس ملی هیچ برنامه‌ای در این زمینه وجود ندارد و نمی‌دانیم قرار است در حوزه آموزش معدن چه کاری انجام دهیم. به‌صورت پراکنده کارهایی انجام می‌شود، اما چون جامعیت ندارد و برای بازه زمانی بلندمدت برنامه‌ریزی نشده، تاثیرگذار هم نخواهد بود. از منظر بنگاهی، شاید بسته به سلیقه و نیاز هلدینگ‌ها و بنگاه‌ها هرازگاهی دوره‌هایی آموزشی برگزار شود. حتی اساتیدی از خارج از کشور دعوت می‌شوند تا نیروی انسانی خود را کارآمدتر کنند، اما این را نمی‌توان به کل بنگاه‌های معدنی تعمیم داد. به‌عبارت دیگر شرکت‌هایی که این موضوع برای‌شان دارای اهمیت است و آموزش‌های کاربردی در اختیار پرسنل خود قرار می‌دهند، کم و شاید انگشت‌شمار باشد؛ به این ترتیب نمی‌توان ادعا کرد بنگاه‌های معدنی کشور، در حوزه آموزش‌های کوتاه‌مدت نیازسنجی و براساس اولویت‌ها دوره‌های مهارت‌افزایی برگزار می‌کنند.

البته نمی‌توان گفت آموزش ۱۰۰ درصد برعهده بنگاه‌ها است و ربطی به وزارتخانه ندارد. بالعکس اهمیت موضوع به حدی است که نیازمند محوریت و زعامتی قدرتمند و یکپارچه است و وزارتخانه باید آن را رهبری کند. پیش‌بینی شده بود این موضوعات را معاونت آموزش، پژوهش و فناوری وزارتخانه مورد پیگیری قرار دهد، اما چنانکه گفته شد امروز دیگر بساط آن برچیده شده است. این در حالی است که اگر چارت سازمانی وزارت صنعت، اقتصاد و تجارت ژاپن (یعنی کشوری که به اتفاق باور داریم بسیار پیشرو و توسعه‌یافته است) مورد بررسی قرار گیرد، مشاهده خواهد شد موضوع آموزش در آن دیده شده و به‌دقت مورد بررسی قرار گرفته است و وزارتخانه در این حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی می‌کند. با کمال تاسف باید اعتراف کرد بخش بزرگی از فعالان حوزه معدن در کشور ما بر این باورند که نیازی چندانی به آموزش و برگزاری دوره‌های بازآموزی نیست یا اگر هست بنگاه‌های اقتصادی باید آن را برای پرسنل خود تعریف کنند و ارائه دهند. در حالی که برای برگزاری دوره‌های کوچک در بنگاه‌های اقتصادی هم دولت باید کمک کند و آنها را مورد حمایت قرار دهد، زیرا بنگاه‌های ما بیشتر کوچک یا متوسط‌مقیاس هستند و در چنین مجموعه‌هایی معمولا مدیر منابع انسانی یا آموزش وجود ندارد که مسئول توجه و رسیدگی به این امور باشد. در مجموعه‌های بزرگ‌تر هم که امکانات لازم برای توجه به حوزه آموزش فراهم است، باید نیازسنجی صورت گیرد و این کار هم بیشتر از دولت برمی‌آید. به‌عنوان مثال بنگاه معدنی زیادی در زمینه تولید سنگ‌های معدنی فعالیت دارند که تعداد پرسنل هر کدام از این بنگاه‌ها بسته به نیاز آنها متغیر است؛ بنابراین امکان نیازسنجی آموزشی یا بکارگیری مدیر آموزش یا مدیر منابع انسانی عملا منتفی است؛ بنابراین باز هم باید دولت مداخله کند و ضرورت‌های آموزشی را شناسایی و برای آن برنامه‌ریزی کند. در گذشته‌ای نه‌چندان دور، این موضوع در وزارتخانه پیگیری می‌شد، ردیفی خاص برای بودجه‌های آموزشی وجود داشت و در قالب آن کمک‌هایی تعریف می‌شد که به دوره‌های آموزشی تعلق می‌گرفت و بنگاه‌های معدنی از آن امکانات استفاده می‌کردند، اما در حال حاضر، چنین حمایتی دیگر وجود ندارد و می‌توان گفت برنامه تشویقی و حمایتی برای آموزش که یکی از ارکان اصلی توسعه حوزه معدن کشور است، وجود ندارد. ناگفته نماند که هنوز تعدادی مرکز آموزشی فعال وجود دارد، اما اقدامات آنها محدود و بدون برنامه‌ریزی است و نمی‌تواند بخش معدن را به‌سوی بهره‌وری بیشتر سوق دهد.

در بررسی تاثیر توسعه اهداف معدنی بر طبیعت تاکید شد:

همه راه‌ها از حفظ محیط‌زیست می‌گذرد

گیتا جاودانی

مزایده واگذاری بیش از ۵ هزار محدوده معدنی راکد، از ۲۶ مهر آغاز شده و تا ۲۶ آذر ادامه خواهد داشت.

شاید افزوده شدن این تعداد از معادن به چرخه تولید، برای زیرمجموعه معدنی وزارت صمت دستاورد مثبتی به‌شمار رود، اما روشن است که چه ضربه سنگینی بر پیکره محیط‌زیست وارد خواهد آورد.

وزارت صمت بارها در برابر این پرسش قرار گرفته که چه راهکاری برای جبران خسارت‌های توسعه معدنکاری به طبیعت در نظر گرفته، اما تاکنون هیچ پاسخ روشنی ارائه نشده تا دغدغه فعالان محیط‌زیست را کاهش دهد.

در گزارش امروز صفحه معدن روزنامه «روزگار معدن» تورج فتحی، معاون دفتر حفاظت آب و خاک سازمان محیط‌زیست به ترک‌فعل وزارتخانه در تهیه ضوابط زیست‌محیطی اشاره می‌کند.

رضا اقتدار، مدیرکل دفتر زیستگاه‌ها و امورمناطق سازمان حفاظت محیط‌زیست از چالش‌های احیا و بازسازی محدوده‌های معدنی می‌گوید.



عکس: روزگار معدن

> اقدامات انجام‌شده از سوی معدنکاران معمولا محدود به کاشت گیاه است که در واقع مشکل دیگری بر مشکلات منطقه اضافه می‌کند، زیرا اغلب فضای سبزی با گونه‌های غیربومی ایجاد می‌شود که حفظ و نگهداری آن بار سنگینی بر دوش محیط‌زیست منطقه خواهد بود



تورج فتحی- معاون دفتر حفاظت آب و خاک سازمان محیط‌زیست: شنیدن خبر برگزاری پی‌درپی مزایده‌های معدنی بسیار ناگوار و نگران‌کننده است، زیرا واگذاری این تعداد معدن آثار تخریبی گسترده‌ای در محیط‌زیست به جا خواهد گذاشت؛ به‌ویژه این آسیب‌ها در غیاب ضوابط و استانداردهای زیست‌محیطی پررنگ‌تر است.

در واقع بدون آنکه دستورالعملی تاییدشده وجود داشته باشد، نمی‌توان این حجم از فعالیت‌های تخریب‌کننده را مدیریت کرد.

سازمان محیط‌زیست، باتوجه به مذاکراتی که با وزارت صمت داشت، از مدتی قبل تهیه پیش‌نویس ضوابط محیط‌زیستی را به همت پژوهشکده علوم زمین سازمان زمین‌شناسی آغاز کرد. برای تهیه این پیش‌نویس انواع فعالیت‌های معدنی، روش‌های اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری و دیگر جزئیات و نکات مربوط به معدنکاری جزء به جزء مورد بررسی قرار گرفته و دستورالعملی جامع و کامل تهیه شده است.

برای تکمیل این پیش‌نویس، تیمی از محققان، اساتید دانشگاهی و کارشناسان خبره سازمان زمین‌شناسی کشور گرد هم آمدند و بعد از گذشت یک سال، تدوین و تنظیم این مجموعه از ضوابط و مقررات زیر نظر سازمان محیط‌زیست به سرانجام رسید.

اما در حال حاضر بیش از ۹ ماه است که به امید نهایی شدن این پیش‌نویس در حال مکاتبه با مسئولان بخش‌های گوناگون وزارت صمت هستیم اما هنوز به هیچ نتیجه نرسیده‌ایم.

▣ اگر و فقط اگر...

اگر این پیش‌نویس به‌موقع به تصویب هیات وزیران می‌رسید و ابلاغ و اجرا می‌شد، نگرانی از واگذاری معادن به حداقل می‌رسید، زیرا معدنکاران می‌توانستند با علم و آگاهی از این قواعد دست به عمل بزنند و می‌شد امیدوار بود که آثار تخریبی و آلودگی در حداقل ممکن کنترل شود، اما وزارت صمت تاکنون در انجام مسئولیت خود کوتاهی کرده و هنوز این پیش‌نویس را برای تصویب در اختیار هیات دولت قرار نداده است.

برای روشن شدن تکلیف این پیش‌نویس بارها شخصا موضوع را پیگیری کرده‌ام اما به نتیجه نرسیده‌ام.

علاوه بر این همکارانم در سازمان محیط‌زیست هم مکررا به وزارت صمت مراجعه کرده و با معاون معدنی، دفتر حقوقی و دفتر ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست وزارت مذاکرات چهره به چهره داشته‌اند و بارها درخواست کرده‌ایم که برای اجرایی شدن این پیش‌نویس همکاری کنند.

البته در مذاکرات رودررو قول همکاری داده می‌شود اما در عرصه عمل اتفاق عکس آن رخ می‌دهد. مثلا یا در جلسات شرکت نمی‌کنند یا در صورت حضور بررسی موضوعات مطرح‌شده پرداخته درحال‌حاضر در انتظار تایید و تصویب است.



رضا اقتدار- مدیر کل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط‌زیست: دستکاری انسان در طبیعت برای استخراج، فرآوری و استحصال ماده معدنی محیط‌زیست را به‌شدت تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و منابع آب، هوا و خاک را به‌خطر می‌اندازد؛ بنابراین ورود تعداد زیادی از معادن به چرخه تولید بار سنگینی را بر دوش محیط‌زیست اضافه خواهد کرد. سازمان محیط‌زیست براساس تبصره ماده ۳ قانون حفاظت خاک و ماده ۱۱ قانون آلودگی هوا به موضوع پیشگیری از آلودگی محیط‌زیست وارد شده و ضوابط زیست‌محیطی جدیدی تنظیم و تدوین کرده تا بتواند براساس آن تخریب‌ها را کنترل و آسیب‌ها را مهار کند. این دستورالعمل که به همه جوانب معدنکاری از اکتشاف و استخراج گرفته تا مرحله بازسازی و احیا را به جلسات بعدی موکول می‌کنند و در جلسات بعدی افراد جدیدی حاضر می‌شوند که نظرات گروه قبلی را به چالش می‌کشند و کار از اول آغاز می‌شود.

▣ استراتژی همکاری نکردن تعمدی

از آنجایی که براساس اسناد بالادستی (مثل قانون اساسی و قانون معادن) متولی معدن کشور وزارت صمت است، همه فعالیت‌ها در این بخش باید با محوریت آنها انجام شود. البته برخی از دستگاه‌های دیگر هم مسئولیت‌هایی در زمینه مدیریت بخش معدن دارند.

یکی از این دستگاه‌ها سازمان محیط‌زیست است که در موضوع حفاظت از محیط‌زیست نقش محوری دارد. پس هر جایی که فعالیت‌های انسانی با حوزه محیط‌زیست تداخل پیدا کند، سازمان حفاظت محیط‌زیست وظیفه دارد مداخله و برای پیشگیری از تخریب یا کم کردن آثار و کنترل آسیب اقدام کند.

فعالیت معادن با الزامات سازمان حفاظت محیط‌زیست تداخل دارد. در نتیجه وزارت صمت از نظر قانونی مکلف است در این زمینه با سازمان محیط‌زیست همکاری داشته باشد.

در ماده ۱۱۶ آیین‌نامه اجرایی قانون معادن که سال ۹۲ به تصویب رسید تاکید شده وزارت صنعت، معدن و تجارت باید حداکثر ظرف مدت ۶ ماه، با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست، ضوابط زیست‌محیطی فعالیت‌های معدنی را تهیه کند و بعد از تصویب در هیات دولت به اجرا بگذارد.

حرکت بر مدار هیچ

بر این اساس این ضوابط باید در نهایت تا اواسط سال ۹۳ تهیه می‌شد، اما وزارت صمت تا امروز که در سال ۱۴۰۱ هستیم، اجرای این کار را به تعویق انداخته و هیچ اقدامی در این زمینه انجام نداده است. یعنی بیش از ۸ سال و نیم است که در این زمینه ترک‌فعل کرده است.

به‌نظر من امروز باید از سازمان بازرسی کل کشور پرسید که چرا بعد از گذشت ۸ سال و پایان مهلت وزارت صمت برای تهیه ضوابط زیست‌محیطی، این مجموعه را مورد بازخواست قرار نمی‌دهد.

▣ مقاومتی سخت و فرساینده

سازمان محیط‌زیست برای جبران این ترک‌فعل طولانی‌مدت وزارت صمت با تخصیص چندصد میلیون تومان اعتبار، قراردادی با پژوهشکده علوم زمین زیرمجموعه سازمان زمین‌شناسی، ذیل وزارت صمت منعقد کرد تا پیش‌نویس فوق تهیه شود و همان‌طور که اشاره شد از خرداد سال این پیش‌نویس روی میز وزارت صمت قرار گرفته است.

ما قرارداد بسته، پیش‌نویس را تهیه کرده، مکاتبات لازم را انجام داده و بارها درخواست جلسه داشته‌ایم، اما معاونت معدنی وزارت صمت همچنان در برابر نهایی شدن این پیش‌نویس مقاومت می‌کند.

▣ مراجع ذی‌صلاح رسیدگی

چند مرجع در بدنه دولت هستند که صلاحیت ورود به موضوع را دارند؛ اول معاونت حقوقی رئیس‌جمهوری. امروز این معاونت می‌تواند روی موضوع تمرکز کند و از وزیر صمت بپرسد که چرا به تکلیف قانونی خود در تهیه ضوابط زیست‌محیطی عمب نکرده یا چرا امروز که محیط‌زیست از بیت‌المال هزینه کرده و این کار را انجام داده، همکاری لازم را انجام نمی‌دهد. همین‌طور می‌تواند رأسا دستور همکاری دهد؛ به‌عبارت دیگر علاوه بر اینکه به موضوع ترک‌فعل ورود پیدا می‌کند، می‌تواند وزارت صمت را مکلف به همکاری با سازمان محیط‌زیست کند.

شورای‌عالی معادن هم مرجع ذی‌صلاح دیگر است که معاون اول رئیس‌جمهوری مسئول اول این شورا است؛ در نتیجه آقای مخبر می‌تواند بلافاصله بعد از تشکیل نخستین جلسه شورای‌عالی معادن به وزارت صمت تذکر دهد که همراهی و همکاری لازم را برای ارائه ضوابط زیست‌محیطی به هیات وزیران انجام دهد.

علاوه بر این در همه وزارتخانه‌ها دفتر بازرسی، ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات وجود دارد که می‌تواند عملکرد وزارتخانه را بررسی کند، در مقام پرسش برآید و خواهان پاسخگویی دستگاه مربوطه باشد.

سازمان محیط‌زیست برای اثبات ادعاهای خود در این زمینه، مستندات لازم را گردآوری کرده و می‌تواند آنها را هم در اختیار رسانه‌ها قرار دهد و هم به دستگاه‌های نظارتی ارائه کند.

محیط‌زیست در انتظار

برای ایجاد ۱۰ درصد پوشش گیاهی در منطقه است. باید گفت این اقدام نه‌تنها مفید نیست، بلکه مشکل دیگری بر مشکلات منطقه اضافه می‌کند زیرا این فضای سبز اغلب با گونه‌های غیربومی ایجاد می‌شود و حفظ و نگهداری آن بار سنگینی بر دوش محیط‌زیست منطقه خواهد بود. مرحله دوم زمانی آغاز می‌شود که وزارت صمت یک معدن را متروکه اعلام کند. در حال حاضر حتی یک نمونه هم وجود ندارد که عملیات معدنی پایان یافته و فاز بازسازی انجام شده باشد، زیرا اساسا در کشور جایی به‌نام معدن متروکه وجود ندارد و در حال حاضر همه در تلاش هستند تا معادنی را که ده‌ها سال است متروک و بی‌استفاده مانده‌اند، دوباره فعال کنند.

▣ منظور از احیا چیست؟

منظور از احیا و بازسازی محیط‌زیست محدوده معدنی صرفا بازسازی پوشش گیاهی منطقه نیست، بلکه باید روش‌هایی را به کار برد تا خاک ترمیم شود و تا جای ممکن کیفیت قبلی خود را به‌دست آورد. در فرآیند بهره‌برداری معدن نیز می‌توان خاک نباتی را حفظ و در جای خاصی دپو کرد؛ بنابراین همزمان با بهره‌برداری از یک معدن، باید عملیات احیا و بازسازی به اجرا درآید، نه اینکه منتظر بمانیم تا ذخیره معدن به پایان برسد و بعد مرحله احیا و بازسازی آغاز شود. معدنکار باید از محیط‌زیست و منابع طبیعی صیانت کند و نمی‌تواند و نباید با فعالیت خود طبیعت را تخریب کند. نخستین مسئولیت بهره‌بردار توجه به ضوابط فنی است که ناظر فنی وزارت صمت باید آن را بررسی کند. اگر بهره‌برداری ضوابط فنی و سایر الزامات از جمله الزامات زیست‌محیطی را رعایت نکند، براساس ماده ۲۰ قانون معادن به او اخطار داده می‌شود و اگر باز هم توجه نکند با رأی شورای‌عالی معادن از او سلب صلاحیت می‌شود.

سخن پایانی

مهم‌ترین راهکار برای کنترل آسیب‌های معدنکاری، وضع قوانین و مقررات زیست‌محیطی بازدارنده است، اما متاسفانه این موضوع در کشور ما به‌شدت مورد بی‌توجهی قرار گرفته است؛ از همین رو جا دارد اکنون که مزایده واگذاری معادن در حال برگزاری است و دغدغه‌های محیط‌زیستی پررنگ‌تر از پیش شده، وزارت صمت با نهایی کردن پیش‌نویس ضوابط زیست‌محیطی جدیت خود را در این زمینه نشان دهد.

بازار نقره داغ شد

انتظار می‌رود تقاضای جهانی برای نقره امسال با ۱۶ درصد افزایش به ۱.۲۱ میلیارد اونس برسد که بزرگ‌ترین کسری در دهه‌های اخیر را رقم خواهد زد. به گزارش دنیای معدن، پیش‌بینی شده امسال استفاده از نقره، برای ساخت جواهرات، ظروف نقره، شمش و سکه برای سرمایه‌گذاری خرد به سطوح بی‌سابقه‌ای برسد. علاوه بر این، با افزایش وسایل الکترونیکی در خودروها، نقره بیشتری به‌مصرف خواهد رسید، اما این بخش تنها حدود ۵ درصد کل تقاضا را به خود اختصاص می‌دهد و حدود ۱۰ درصد دیگر از تقاضای بازار هم مربوط به سازندگان پنل‌های خورشیدی است. گزارش‌ها نشان می‌دهد در سال جاری تقاضا برای نقره در هند حدود ۲ برابر شده، زیرا خریداران باتوجه به افت نرخ درصدد برآمده‌اند تا کاهش ذخیره در ۲ سال گذشته را جبران کنند. البته انتظار می‌رود به‌واسطه افزایش تقاضای صنایعی مانند پانل‌های خورشیدی و خودروسازی، کسری عرضه نقره در سال‌های آینده بیشتر شود، اما به‌اندازه سال ۲۰۲۲ نخواهد بود. نقره ذخیره‌شده در انبارهای لندن و نیویورک که ازسوی قراردادهای کومکس و انجمن بازار شمش لندن نظارت می‌شود، امسال حدود ۳۷۰ میلیون اونس یا ۲۵ درصد کاهش یافته، اما گفته می‌شود هنوز مقدار زیادی نقره باقی مانده است. براساس گزارش رویترز، نرخ نقره امسال حدود ۱۰ درصد کاهش یافته و به ۲۱ دلار در هر اونس رسیده که بیشتر به‌دلیل فروش نقره از سوی سرمایه‌گذاران مالی در واکنش به افزایش بازده اوراق قرضه ایالات‌متحده و تقویت دلار است.

بهره‌برداری از واحد کنسانتره آهن سرگز جیرفت

واحد کنسانتره آهن سرگز واقع در بخش اسفندقه شهرستان جیرفت با ظرفیت سالانه ۱۰۰ هزار تُن روز دوشنبه با حضور استاندار کرمان به بهره‌برداری رسید. به گزارش ایرنا، رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمان در مراسم افتتاح این واحد گفت: هزینه سرمایه‌گذاری طرح و فعال‌سازی معدن ۵۰ میلیارد تومان بوده است که ۳۰ نفر به صورت مستقیم و ۱۰۰ نفر به صورت غیرمستقیم مشغول به‌کار شده‌اند. مسلم مروجی افزود: در برنامه ششم توسعه اسفندقه در تخصیص آب صنعتی صفر در نظر گرفته شده است و پیگیری می‌کنیم که در برنامه هفتم تخصیص آب صنعتی داشته باشد زیرا این مسئله سرمایه‌گذاری را در منطقه دچار مشکل کرده است. وی با بیان اینکه سنگ‌آهن و منگنز عیار پایینی دارد و به صرفه نبود که به استان‌های دیگر برود ادامه داد: در بخش ساردوئیه شهرستان جیرفت کارخانه لازم راه‌اندازی شده و معادن هم فعال شده و بعد از تامین برق، خروج محصولات معدنی ممنوع می‌شود. مروجی اضافه کرد: کارخانه کنسانتره سرگز اسفندقه چون سهمیه آب صنعتی ندارد با ظرفیت کمتری فعالیت می‌کند. وی یادآور شد: هزینه سرمایه‌گذاری در جنوب کرمان بالاست؛ وقتی ارزیابی محیط‌زیست یکسال طول می‌کشد هزینه‌ها را بالا می‌برد بنابراین پیشنهاد می‌کنیم روند ارزیابی زیست‌محیطی همزمان با نصب دستگاه‌ها انجام شود. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمان با اشاره به اینکه معادن چند روز از هر ماه به دلیل کمبود سوخت تعطیل می‌شود گفت: با وجود هماهنگی‌های قبلی صورت گرفته مبنی‌بر اختصاص سوخت براساس تشخیص کارشناس اما هر میزانی که کارشناس صنعت، معدن و تجارت تعیین می‌کند شرکت توزیع فرآورده‌های نفتی از آن کم می‌کند.

استاندار کرمان در سفر خود به جنوب کرمان همچنین قطعه‌ای از جاده این منطقه حدود ۴ کیلومتر از مسیر اسفندقه به کناروئیه را افتتاح کرد. ۱۷ کیلومتر از این مسیر راه‌اندازی شده و ۵ کیلومتر نیز در دست اقدام است.

واگذاری ۵ هزار معدن به بخش خصوصی کلید خورد

مراقب طبیعت هم باشیم



عکس: روزگار معدن

گروه معدن

با پیشـنهاد وزارت صمـت و مصوبه مجلس مقرر شـده از ۲۶ مهـر تا پایان ۲۶ آذرماه بیـش از ۵ هزار معدن به مزایده گذاشـته شود؛ آنهم در حالی که فعالیت معادنی که در کشور فعالند، به دلیل آثار مخرب زیست‌محیطی با ابهام‌های زیادی روبه‌روست.

دسـت‌اندازی بـه طبیعت در سـال‌های اخیر سـابقه پر و پیمانی دارد و هر روز بخش‌هایی از پیامدهای آن دامن کشور و زندگی اجتماعی مردم را هم می‌گیرد. اینکه زندگی بخشی از جمعیت هر ساله با حجم زیادی از گرد و خاک گره خورده، کشـاورزی ایران با بحران آب و فرسـایش خاک روبه‌روسـت و یـا بخش‌هایی از کشـور به‌طور جدی با بحران فرونشسـت دسـت‌وپنجه‌نرم می‌کند و خشکسـالی و تغییر در همه ابعاد زندگی خود را نشـان می‌دهد، همگی از آثار سوءدست‌درازی انسان به طبیعت بوده است.

به‌تازگی رسـانه‌ها گزارش دادند بیـش از ۵ هزار معدن که تاکنـون متولـی آن وزارت صمت بوده، به صـورت مزایده به بخـش خصوصی واگذار خواهد شـد.؛ برنامـه‌ای که واکنش بسیاری از کارشناسان را برانگیخته است.

مصوبه قانونی برای واگذاری معادن

طبق اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انفال و ثروت‌هـای عمومی همچون زمین‌های موات یا رها شـده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیسـت، ارث بدون وارث، اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسـترد می‌شـود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. تفصیـل و ترتیب اسـتفاده از هر یک را هم قانون مشـخص می‌کنـد. قانون در همه ابعاد دسـت‌اندازی بـه طبیعت را باز گذاشته و لذا صدور مجوز برای مزایده ۵ هزار معدن در ایران، همواره از پشتیبانی قانون هم برخوردار است با بررسی قوانین و مصوبه‌های مجلس و دولت، هم در خواهیم یافت که در پس این اقـدام وزارت صمت، یعنی مزایده بیـش از ۵ هزار واحد معدنی به بخش خصوصی، مصوبه مجلس شـورای اسـلامی است. به استناد مصوبه مجلس در بودجه سال ۱۴۰۱، وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف شـده نسـبت به مستندسازی و واگـذاری مجوزهای بهره‌بـرداری از معادن از طریق مزایده عمومی و با احراز صلاحیت فنی و مالی متقاضیان اقدام کند. در ایـن مصوبه آمده: وزارت صنعت، معـدن و تجارت مکلف است نسـبت به واگذاری مجوزهای معادن تعطیل در اختیار خود از طریق بازار سـرمایه و بعد از اهلیت‌سنجی به اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام یا در قالب شـرکت‌های سـهامی عام طـرح (پروژه) از طریق بازار سـرمایه واگـذار کند. همچنین ۶ مـاه پس از ابلاغ این قانون، مجـوز همه معادن تعطیل در اختیـار بخش خصوصی و غیردولتی که بیش از یک‌سـال از تعطیلی آنهـا می‌گذرد، با رعایت قـرارداد فی‌مابین و قوانین به صورت خودکار لغو می‌شـود. آیین‌نامه اجرایی این بند در مدت یک‌ماه پس از ابلاغ این قانون با پیشنهاد وزارت صنعت، معـدن و تجارت و تأیید شـورای‌عالی بورس تدوین و اجرایی می‌شود. گزارش عملکرد این بند ۳ ماه پس از مهلت مقرر به کمیسـیون صنایع و معادن مجلس شـورای اسلامی و دیوان محاسبات کشور ارائه می‌شود. در بند (ط) تبصره (۱۸) قانون بودجه سـال ۱۴۰۰ کل کشـور آمده: وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف اسـت حداکثر در مدت ۳ ماه پس از ابلاغ این قانون نسبت به مزایده معادن شناسایی شده تا پایان اسفندماه ۱۴۰۰ اقـدام کند. براسـاس این مصوبه؛ «تمـام پروانه‌های صادرشده سال‌های قبل که در اختیار بخش‌های خصوصی - تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی و سـایر اشخاص حقیقی و حقوقی قرار گرفته اسـت چنانچه تا پایان اسفندماه ۱۴۰۰ منجربه اکتشاف و استخراج نشده‌اند و همچنین سهم معادنی که در اختیار دسـتگاه‌های اجرایی و شـرکت‌های وابسته به آنهـا از جمله« ایمیدرو» قرار گرفته، چنانچه حداکثر تا پایان تیرماه ۱۴۰۰ منجر به اکتشـاف و استخراج نشده باشند و نیز معادن واگذار شده در سال ۱۴۰۱ که منجربه اکتشاف نشود، بـا رعایت قوانین و مقررات و قـرارداد معتبر فی‌مابین، پروانه صادرشـده لغو و از طریق مزایده بـه متقاضیان جدید واگذار می‌شـود.» هرچند در قانون به شیوه استفاده حکومت اشاره نشده اما به طور قطع، مقصود در قانون اساسی، استفاده بهینه از منابـع و به نفع عامه مردم اسـت. بنابراین واگذاری معادن بـا دریافت حق ۱۵ درصد از درآمـد یک معدن برای مردم با توجـه به اثرات سـوء آن در آینده، نمی‌توانـد به نفع مصالح عمومی باشد.

راه دست‌اندازی به طبیعت باز است



افشـین دانه‌کار اسـتاد دانشـگاه و محقـق محیط‌زیسـت در ایـن زمینه به پژوهشگر ایرنا گفـت: فقـط مناطـق ممنوعه برای معدن‌کاوی در ایران «پارک‌های ملی» هسـتند و در سایر مناطـق بنابـر تفاهمنامه سـازمان حفاظت از محیط‌زیست و وزارت صمت، معادن تا جایی‌که آثار سـوء نداشـته باشـند، امکان بهره‌برداری دارند.

از این گفته اسـتنباط می‌شـود کـه قانون دست‌اندازی به طبیعت را باز گذاشته و بنابراین صدور مجوز برای مزایده ۵ هزار معدن در ایران، همواره از پشتیبانی قانون هم برخوردار است.

▣ نقـش معـادن در چالش‌هـای محیط‌زیستی

تامل بر این مصوبه با توجه به تعداد معادنی که اکنون در کشور فعال هستند، می‌تواند نکات مهمی را آشـکار سـازد. به گفته «تقی نبئی» رئیس وقت سـازمان نظام مهندسی معدنی در سـال ۱۳۹۹، ۵ هـزار و ۷۰۰ مورد از ۱۱ هزار واحـد معدنـی دارای پروانه در کشـور فعال و بقیـه به علت‌های مختلف غیرفعال اسـت؛ آن هـم درحالی که همین تعداد از معادن تاکنون خسارت‌های زیادی را به پیکره محیط‌زیست و منابع طبیعی کشور وارد کرده‌اند.

همچنین بـه گفته «محمدرضـا آخوندی» مدیـرکل وقت منابـع طبیعـی و آبخیزداری اسـتان یزد، برآورد خسارت‌های وارده ناشی از فعالیت‌های معدن‌کاری در عرصه‌های طبیعی در این استان، حدود ۹۷۲ میلیارد تومان اعلام شـده اسـت.به گفته وی، این میزان خسارت مربـوط به وسـعت تخریب بیـش از ۷۵ هزار هکتار ناشی از فعالیت معادن در سال ۱۳۹۷ و در استان یزد بوده است. تخریب اراضی، موجب فرسـایش آبی - بادی شده و اثرات خشکسالی را تشـدید می‌کند. از بین رفتن خاک سطحی موجب کاهش ظرفیت خـاک برای جذب آب و فقدان امـکان تغذیه آب‌های زیرزمینی و در نهایـت منجربه بروز سـیلاب خواهد شـد. در ایران که سرزمین به‌نسبت خشکی است، سیل و خشکسـالی همزاد یکدیگرند. شرایط خشک فـلات ایران و توزیع زمانی نامناسـب بارش‌ها روی رودخانه‌هـای ایـران کـه بیشـتر فصلی هستند و میزان جریان در آنها وابسته به میزان بارندگی اسـت، نقش تخریبی معادن را در این زمینـه بیش از پیـش خودنمایـی می‌کند. از این‌رو در مواقعی که بارندگی بیش از متوسـط درازمدت باشد، منطقه مواجه با سیل می‌شود و در سـال‌هایی که بارندگی کمتر از متوسـط باشـد با پدیده خشکسالی مواجه خواهیم بود. آب یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین فاکتورهای بخش معدن و زنجیره معدنی در کشـور است. اگر آب وجود نداشـته باشـد اسـتحصال مواد معدنی هم صورت نخواهد گرفت و این موضوع ضربه زیـادی را به بخش معدن و توسـعه آن خواهد زد.

زیسـت‌بوم منطقه‌ای که معدن یا معادنی در آنها فعالیت دارند به شـدت تحت تاثیر کارکرد آنهـا قرار می‌گیرد؛ علاوه بـر این میزان منابع آبی منطقه نیز بر شـیوه و میزان برداشـت از معادن هم بسـیار موثر است؛ چنانچه به گفته «بهرام شـکوری» رئیس کمیسـیون معادن و صنایـع معدنی اتاق بازرگانـی ایران، آب یکی از مهم‌تریـن و حیاتی‌تریـن فاکتورهای بخش معدن و زنجیره معدنی در کشـور است. بدون آب استحصال مواد معدنی هم صورت نخواهد گرفت و این موضـوع ضربه زیادی را به بخش معـدن و توسـعه آن خواهـد زد. به‌طور قطع، خشکسـالی بر زنجیره مـواد معدنی تاثیرگذار اسـت. یکـی از حیاتی‌ترین مسـائل در زمینه بهره‌بـرداری معادن، موضوع آب اسـت؛ چون در تولید کاتد، فولاد، کنسـانتره، گندله و... به آب زیادی نیاز بوده و در حوزه معدن‌کاری نیز به همین صورت است. چنانچه مشخص است، محیط‌زیسـت، معدن‌کاوی و زندگی اجتماعی انسـان‌ها در یک رابطه کامـلا پیچیده، درهم تنیده شـده است. به استناد مطالعات مختلف؛ ایجاد هر شغل در بخش استخراج، ۱۷ شغل در بخش صنایع پایین‌دستی معدنی ایجاد می‌کند اما باید در نظر داشـت، این میزان شـغل تنها یک بُعد از مزایای معادن اسـت زیرا با از دست رفتن منابع طبیعی و محیط‌زیست دیگر جایی برای زیسـتن وجود ندارد. به‌دست آوردن پول و ثروت تنها زمانـی قابلیت توجیه دارد که در بلندمدت هم به رفاه بیانجامد.

توسعه به معنای مدرن

توسـعه به معنای مدرن و از نوع پایدار دقیقا بر همین امر تاکید دارد و این همان چیزی است که بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته جهان هم بر آن تاکید داشته‌اند.

بـه عنوان مثال سـوئد در شـمال اروپـا و در منطقـه اسـکاندیناوی کـه دارای زمسـتان‌های سـرد و طولانی و فاقد منابع طبیعی مهمی مانند نفت و گاز هسـت، همه تـلاش و توجه خود را بر نیروی انسـانی و کارآمد متمرکز کـرده و از این طریق به عنوان یکی از کشـورهای توسـعه‌یافته شـناخته می‌شـود که این روزها به رقیب جدی برای منطقه «سـیلیکون ولی» در ایالات متحده تبدیـل شـده و بسـیاری از کارشناسـان بر این باورنـد تا چند سـال آتی سـرمایه‌های زیادی را به این کشـور گسـیل خواهد کرد کـه به‌دنبال آن، رفاه زیادی را برای جامعه سـوئدی به همراه خواهد داشت.

با در نظر داشـتن همه این شرایط برای سوئد، نکته دیگری که می‌تواند جالب توجه باشـد اینکه این کشـور با وجـود داشـتن بزرگ‌ترین معدن طـلای اروپا(بولیدن) اما از سـال ۱۹۶۷ به دلیل آثار سـوء محیط‌زیسـتی تاکنـون تعطیل کرده است.

مشـابه چنیـن وضعیتـی در شـیلی و بـرای بزرگ‌تریـن معدن طلای دنیا هم رخ داد و دادگاه به دلیل آثار مخرب این معدن بر محیط‌زیسـت، آن را تعطیـل کرده و شـرکت بهره‌بردار آن را به دلیل آسـیب به محیط‌زیست، به پرداخت جریمه سنگین محکوم کرد.

مردم منطقه سال‌ها از آب آشامیدنی حاصل از ذوب‌شدن یخچال‌های طبیعی که به شکل رود از کوه‌های «آند» جاری می‌شـد استفاده می‌کردند اما با آغاز پروژه معدن، آب منطقه به شدت آلوده شد.

در سال‌های اخیر بسیاری از اهالی منطقه و نیز حیوانات به دلیل مصرف آب دارای مواد خطرناک و گاهی سرطان‌زا دچار بیماری‌های گوناگون شده بودند.

سخن پایانی

با توجه به موارد یاد شـده، در چنین شرایطی مهدی حمیدی سرپرست دفتر بهره‌برداری معادن وزارت صنعت، معدن و تجارت مهرماه امسال از آغاز ثبت‌نام متقاضیان شرکت در مزایده و محدوده پنج هزار و ۳۴۹ معدن از ۲۶ مهرماه خبر داد که مصوبه مجلس را هم در عقبه قانونی خود به همراه دارد. شـاید مخالفت با تعطیلی معادن برای بسـیاری از افراد به دلیل کاهش نرخ اشـتغال و درآمد عمومی غیرقابل درک باشـد اما همچنان این پرسـش مطرح است که توسعه از این روش آیا منابع (آب، خاک و..) و زیست محیط کشور را به مخاطره جدی می‌اندازد؟



مزایده بزرگ‌ترین معدن کرومیت کشور



معدن کرومیت آسـمینون واقع در شهرسـتان منوجان در جنوب کرمان که بزرگ‌ترین معدن از این نوع در کشور محسوب می‌شود پس از خلع ید از بهره‌بردار قبلی اکنون به گفته مسـئولان صمت برای دومین‌بار به مزایده گذاشـته شـده و اگر تا اواسـط آذرماه فرد دیگری در مزایده شرکت نکند دولت آن را به شرکتی واگذار خواهد کرد.

به گـزارش ایرنا، معدن کرومیت آسـمینون در منوجان در ۲ سـال بارها توسط بهره‌بردار معدن به دلایل مختلف تعطیل می‌شد یا صدای اعتراض کارگـران‌اش همـواره بالا بود به طـوری که چند نوبت به تجمع گسـترده و حتی راهبندان مسـیر ارتباطی کرمان به هرمزگان نیز انجامیده بود.

این معدن آخرین‌بار خرداد امسال به دلیل نقض تعهدات و وعده‌های شرکت بخش خصوصی متولی معدن و موافقت نکردن کارگران با شرایط قرارداد ازجمله ۶ ماهـه و ۳ ماهه بودن قراردادها تعطیل شد؛ درواقع بهره‌بردار بخش خصوصی معدن را به این بهانه تعطیل کرد و بعد از آن بود که مقدمات خلـع ید بهره‌بردار نیز به همت دولت آغاز شـد تا وضعیت نابسـامان کارگرانی که در شرایط سخت کار می‌کردند، به‌دسـت یک فرد بخش خصوصی که بارها وعده حل مشـکلات کارگران را داده بود اما بـه وعده‌هایش عمل نمی‌کرد، همان‌طور ادامه پیدا نکند.

در نهایـت بـا ورود رئیس‌جمهـوری و پیگیری مسـئولان مختلف اسـتان، کشـور و نیز تایید در شورای‌عالی معادن کشـور اواسط مرداد بهره‌بردار معدن خلع‌ید شد؛ خبری که نه تنها متولی بخش خصوصی معـدن که خیلی‌های دیگـر نیز انتظار نداشـتند این اتفـاق بیفتد اما دولـت برای حل مشکلات کارگران این اقدام را که در حوزه معادن کشور تاکنون رخ نداده یا نادر بوده، رقم زد.

معدن کرومیت آسـمینون جـزو راهبردی‌ترین معادن فلز کرومیت کشـور و منطقه خاورمیانه به شـمار می‌رود و نقش مهمی در تولید فولاد کشور دارد.

رئیس سـازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب اسـتان کرمان روز دوشنبه در مصاحبه با خبرنگار ایرنا درباره وضعیت و سرنوشت مزایده این معدن گفـت: ۱۷ مهر این معدن در مزایـده قرار گرفته بود که ۱۳ شـرکت اسناد را از سایت دانلود کرده و تحویـل گرفته بودنـد اما در نهایـت هیچ‌کدام اسـنادی بارگـذاری نکردند و تحویـل ندادند که بـه این دلیـل برای ایجـاد فرصت بـرای حضور شرکت‌های بیشتری این مزایده تمدید شد.

مسـلم مروجـی افـزود: دومین‌بـار مزایده در ۲۵آبان تمدید شـد و ۱۷ شـرکت اسناد مربوطه را دانلود کردند و تحویل گرفتند که تا اواسـط آذر فرصت دارند اسـناد را تحویل بدهند و بارگذاری کننـد. وی ادامه داد: معدن کرومیت آسـمینون منوجان مجموعه بزرگی محسوب می‌شود و حجم کاری آن هم گسترده اسـت بنابراین هر شرکتی توان پیش‌قدم شـدن و فعالیـت در این بخش را نـدارد. مروجی بـا بیان اینکه در این‌بـاره بارها با شـرکت‌های بـزرگ معدنی مذاکراتی داشـته‌ایم اضافه کرد: این شـرکت‌های مهم برای حضور در مزایده معدن کرومیت منوجان پیش‌قدم نشدند و در نتیجه شرکت‌های دیگری حضور مقدماتی خود را با گرفتن اسناد اعلام کردند.

وی یادآور شد: اینک فقط ۱۷ شرکتی که اسناد را تحویـل گرفته‌اند می‌توانند در مزایده شـرکت کنند و تا نیمه آذر فرصت دارند با تحویل اسناد و بارگذاری آن شرکت خود را در مزایده نهایی کنند.

رئیس سـازمان صنعت، معدن و تجارت جنوب کرمـان تاکید کـرد: اگر تـا پایان زمـان مزایده هیچ‌کدام از این شـرکت‌ها در مزایده حضور پیدا نکنند دولت خارج از مزایده معدن را به شـرکتی دارای صلاحیت واگذار می‌کند.

این معدن تا پیش از خلع‌ید بهره‌بردار قبلی یک هزار و ۲۰۰ کارگر داشت که اینک از بیمه بیکاری استفاده می‌کنند و فرآیندهای پرداخت بیمه آنان نیز به همت مدیران متولی با سرعت انجام شد؛ اما این کارگران چشـم انتظارند تا وضعیت معدن به زودی تعیین تکلیف شود و بتوانند در شرایط کار مناسب به‌کار ادامه دهند.

روزگار معدن

شنبه ● ۵ آذر ۱۴۰۱ ● اول جمادی‌الاول ۱۴۴۴ ● ۲۶ نوامبر ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۹۶۷

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری روزگار وصل
مدیر مسئول و سردبیر: ناصر بزرگمهر
فنی و هنری: مهدی نجفی
نمایندگی دفتر اروپا: چکاوک بزرگمهر

آدرس: تهران- میدان هفتم تیر- خیابان قائم مقام فراهانی- پلاک ۷۴
تلفن: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - تلفن همراه: ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱ -نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰
پیامک: ۳۰۰۸۲۱۹۰ - ایمیل سازمان آگهی‌ها: ads.smtnews@gmail.com
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵

چاپ: هنر سرزمین سبز

www.Madandaily.com
www.instagram.com/Madandaily
www.twitter.com/Madandaily
www.t.me/Madandaily
E-mail:info@madandaily.com
tozi.smtnews@gmail.com

چهره

حوزه اکتشاف از برنامه عقب ماند



معاون وزیر صمت و رئیس سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران (ایمیدرو) گفت: ارزش ذخایر مواد معدنی حاصل از اکتشافات در سال‌های اخیر ۲۷ میلیارد دلار می‌باشد که این میزان ۵ تا ۱۰درصد ارزش روز این مواد معدنی پس از استخراج است.

وجیه‌الله جعفری چندی پیش در دیدار با مدیران معادن و صنایع معدنی استان زنجان با اشاره به اینکه حوزه اکتشاف معدن کشور آن‌گونه که مورد انتظار بود پیش نرفته است، افزود: مقرر بود تمامی اطلاعات پایه‌ای که تولید می‌کنیم را در لایه‌ای پشت لایه سیستم کاداس قرار دهیم و آن را به عنوان اطلاعات عمومی و اختصاصی استفاده کنیم که بحث این‌کار هم‌اکنون مطرح شده است.

وی با بیان اینکه باید سامانه برخطی را راه‌اندازی و تمام اطلاعات تولیدی را در آن داشته باشیم، اظهار کرد: پیشتر این‌کار در شرکت تهیه و تولید انجام شده و کار بزرگ‌تری را در این قسمت در ایمیدور آغاز کرده‌ایم که آن را توسعه می‌دهیم تا در بازه زمانی کوتاه هر اطلاعاتی که در بحث اکتشاف، تولید می‌شود حتی از سوی وزارتخانه‌های دیگر مانند وزارت نفت، پشت لایه اطلاعاتی قرار گیرد تا ظرفیت‌ها را شناسایی و از آنها استفاده کنیم.

این مسئول گفت: به طور قطع شناسایی و پی‌جویی‌هایی که اتفاق می‌افتد، به دنبال بحث تفصیلی چند زیرساخت نیز نیاز خواهد داشت که تامین تجهیزات برای اکتشافات و حفاری ازجمله آنها است، که در این رابطه باید دستگاه‌های مورد نیاز تامین شود.

جعفری خاطرنشان کرد: از ۲ سال قبل به دنبال ورود دستگاه‌های این بخش به کشور هستیم و ۱۱۹ دستگاه حفاری ثبت سفارش شده و از این تعداد ۵۰دستگاه وارد شده است و مابقی نیز وارد خواهد شد.

وی با اشاره به اینکه در کنار این موضوع مهم، بحث آموزش حفار نیز در اکتشافات اهمیت بسزایی دارد، اظهار کرد: این موضوع مورد غفلت واقع شده است که در ۲ سال گذشته بحث آموزش حفار در ۳ دوره برای گروه‌های هدف برگزار شده است و مابقی نیز برگزار می‌شود.

جعفری با بیان اینکه بحث اکتشاف بسیار مهم بوده اما ریسک بالایی دارد که به ندرت بخش خصوص به آن ورود می‌کند تاکید کرد: به همین دلیل ایمیدرو بحث اکتشاف را در پهنه‌های بزرگ انجام داد کشف معادن مهمی، خروجی آن بوده که ذخایر قابل‌قبولی داشته است.

وی با بیان اینکه ایمیدرو درصدد کاهش ریسک و تعامل با بخش خصوصی است، گفت: ما مجبور هستیم مناقصه و یا مزایده برگزار کنیم که در راستای رقابت بوده و از طرفی باید ما ثابت کنیم حقوق دولت حفظ شود.

رئیس سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در خصوص احیاء و فعال‌سازی معادن نیز گفت: در این راستا وقفه‌ای وجود داشت که اکنون این مسئله فعال شده اما باید بعضی از سیاست‌ها در واگذاری‌ها، هدایت‌های اکتشافی و محدوده‌های اکتشافی را تغییر داد.

وی با اشاره به اینکه امروز بسته سرمایه‌گذاری در این استان در حوزه معدن تعریف می‌کنیم گفت: به این معنی است که برخی معادن دارای ذخایر کم بوده و به‌صورت انفرادی اقتصادی‌تر نخواهد بود، پس به صورت بسته‌ای ارائه می‌شود.

این مسئول گفت: طبق برنامه‌ریزی انجام گرفته اکتشافات کلی و عمومی در نقشه به صورت سه لایه ۵۰ هزار بلوک‌بندی شده که امیدواریم در ۳سال آینده به طور کامل در کشور عملیاتی شود که خروجی آن مفید واقع شود.

وی در ادامه با اشاره به ورود نظام مهندسی در بحث اکتشافات معدنی نیز گفت: بر این اساس نظام مهندسی نباید کار اجرایی داشته باشد، بلکه بستر کار اجرایی را برای فعالان و اعضای خود فراهم کند اگر قرار باشد خود فعالیت داشته باشد آن وقت تبدیل به یک بنگاه می‌شود بنابراین تمامی اعضای خود را چه اشخاص حقیقی و حقوقی تقویت کند.

جعفری با بیان اینکه عارضه‌یابی معادن غیرفعال می‌تواند توسعه یابد خاطرنشان کرد: در این زمینه موارد مشخص شده و باید رفع شود که استان زنجان می‌تواند در این خصوص مشارکت کند.

درخواست فعالان معدنی و صنعتی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

قانون مالیات واردات ماشین‌آلات صنعتی اصلاح شود



عکس: آیدا فریدی

گروه معدن

صاحبان واحدهای تولیدی و صنعتی استان اردبیل اخذ مالیات از واردات ماشین‌آلات صنعتی را مانع تولید و اشتغال اعلام کرده و خواستار بازنگری در قانون مالیات از ماشین‌آلات صنعتی هستند. واحدهای تولیدی و صنعتی تا سال گذشته از پرداخت مالیات برای واردات ماشین‌آلات صنعتی معاف بودند اما در سال گذشته مجلس این مصوبه را لغو کرده و براساس این مصوبه همه صاحبان تولیدی و صنعتی موظف به پرداخت مالیات از واردات ماشین‌آلات شدند.

این اقدام صاحبان واحدهای تولیدی و صنعتی را در نوسازی و بازسازی ماشین‌آلات استاندارد و به‌روز با مشکلاتی مواجه کرده است. یکی از مشکلات واحدهای تولیدی و اساسا صنعت در کشور فرسودگی ماشین‌آلات صنعتی است. این موضوع هم بر راندمان این دستگاه‌ها و به تبع آن واحد تولیدی و هم بر میزان مصرف انرژی به عنوان یک مولفه بسیار مهم تاثیرگذار است. موضوعی که چندی است برخی از اعضای اتاق بازرگانی اردبیل و صاحبان تولید و صنعت در این استان بر لزوم اصلاح آن تاکید دارند. گرچه در افواه عمومی شاید نگاه مثبتی به مقوله واردات وجود نداشته باشد با این حال این نکته بدیهی است که واردات کالاهای سرمایه‌ای به ویژه ماشین‌آلات صنعتی اتفاقا می‌تواند نقطه قوت اقتصادی کشورها محسوب شود.

صاحبان واحدهای تولیدی و صنعتی در ترخیص تجهیزات و ماشین‌آلات وارداتی در گمرکات به دلیل بالابودن تعرفه مالیات و همچنین فرسودگی ماشین‌آلات تولیدی خود با مشکل مواجه بوده و خواستار اصلاح این روند هستند چراکه آنان معافیت مالیات بر واردات ماشین‌آلات را موتور محرک تولید و اشتغال در واحدهای تولیدی و صنعتی می‌دانند.

در همین زمینه کمیته تخصصی شورای گفت‌وگوی استان اردبیل در نشست اخیر خود با تاکید بر لزوم حمایت همه‌جانبه از تولید، موضوع حذف معافیت حقوق ورودی از واردات تجهیزات و ماشین‌آلات تولید که از ابتدای سال‌جاری، اجرایی شده به‌عنوان یک چالش ارزیابی کرده است.

با این حال ظاهرا هدف اصلی لغو این معافیت در راستای شفافیت، حذف رانت و اختلاس و راه‌های فسادآمیز عنوان شده است.

پیش از این طبق بند «غ» ماده ۱۱۹ قانون امور گمرکی، متناسب با تقاضای واردکننده و با تایید وزارت صنعت، معدن و تجارت، ماشین‌آلاتی که تولید مشابه داخلی نداشتند، بدون پرداخت عوارض، وارد می‌شدند که این معافیت از ابتدای سال‌جاری لغو شد. اجرای همزمان لغو معافیت با حذف ارز ترجیحی و تمرکز بر ارز ETS و محدودیت‌های ناشی از تحریم، موجب شده است تا از ابتدای سال ۱۴۰۱، تعداد قابل‌توجهی از واحدهای تولیدی با کمبود سرمایه در گردش مواجه شوند. این در حالی است که قرار بود دولت با پرداخت تسهیلات ارزان‌قیمت تا حدودی به تولید کمک کند که هنوز این وعده عملیاتی نشده است.

دریافت مالیات از واردات ماشین‌آلات صنعتی ضدتولید است



در همین زمینه نایب‌رئیس اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی اردبیل در این‌باره به ایرنا گفت: اعمال مالیات بر واردات ماشین‌آلات صنعتی ضدتولید بوده خلاف نظر و خواسته تاجران و بازرگانان و صاحبان تولید و صنعت است.

بهروز پورسلیمان با بیان اینکه با اینچنین رویه‌هایی نمی‌توان جلوی جنگ اقتصادی و تحریم ایستاد و دفاع کرد، گفت: تولیدکننده و صنعتگر که می‌خواهد تولید و اشتغال را در کشور رونق دهد، نیازمند حمایت دولت است و رونق تولید و اشتغال هم مستلزم بسترسازی و اعمال مشوق‌های لازم است.

این فعال اقتصادی ادامه داد: تولیدکننده و صنعتگر با این وضعیت اقتصادی و تحریم و با هزاران مشکل موفق به واردات ماشین‌آلات می‌شود که به علت مشکلات گمرکی امکان ترخیص این کالاها را ندارند به طوری که هم‌اکنون هم بسیاری از تولیدکنندگان و صنعتگران نتوانستند به دلیل بالا بودن تعرفه مالیات، ماشین‌آلات خود را از گمرک تحویل بگیرند. نائب‌رئیس اتاق بازرگانی صنایع معادن و کشاورزی اردبیل بیان کرد: در شرایط کنونی گمرکات در ترخیص کالاهای وارداتی رویکرد تسهیل گرانه داشته باشد و دولت باید در این زمینه اقدام عاجل بکند.

پورسلیمان تصریح کرد: معمولا عوارض را بیشتر از کالاهای لوکس و زینتی دریافت می‌کنند نه از ماشین‌آلات صنعتی که اشتغالزا است.

وی افزود: اگر ماشین‌آلات صنعتی مطابق قوانین و مقررات و بدون کارشکنی‌ها وارد کشور شود بستر اشتغال و تولید در کشور فراهم می‌شود و ضمن تولید کالاهای به‌روز و استاندار زمینه برای رقابت واحدهای تولیدی با بازارهای جهانی فراهم می‌شود.

عضو اتاق بازرگانی صنایع و معادن استان اردبیل گفت: انتظار ما این است مجلس در این مصوبه بازنگری کرده و مالیات بر واردات ماشین‌آلات را لغو کند ضمن اینکه باید حمایت ویژه‌ای از صنعتگران با ارائه تسهیلات کم‌بهره و اعمال مشوق‌های لازم در کشور صورت بگیرد.

مجلس کاستی‌های قانون مالیات بر واردات ماشین‌آلات را برطرف کند



فرهاد صفری، عضو اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی اردبیل با بیان اینکه مجلس می‌تواند با تصویب قوانین ایرادات و کاستی‌ها قانون مالیات بر واردات ماشین‌آلات را برطرف کند، افزود: واقع امر این است که صنعتگران و تولیدکنندگان کشور با مشکلات زیادی دست‌وپنجه‌نرم می‌کنند ولی این را هم باید بپذیریم که برطرف شدن این مشکلات مستلزم همکاری دولت و مجلس است.

این فعال اقتصادی ادامه داد: قانون معافیت از مالیات بر واردات ماشین‌آلات چندین سال بود که اجرا می‌شد اما دولت و مجلس بدون در نظر گرفتن نظرات کارشناسی اقدام به لغو این قانون کردند که کاملا به ضرر تولید و اشتغال در کشور است. وی افزود: مجلس می‌تواند مصوبه جدیدی را در ارتباط با مالیات واردات ماشین‌آلات صنعتی تصویب و به اجرا بگذارد تا تولید کنندگان با رغبت بیشتری به تولید و اشتغال اقدام کنند. صفری با تاکید بر اینکه مجلس شورای اسلامی باید به فکر تصویب قوانین برای ساماندهی صنعت و لغو مالیات واردات ماشین‌آلات باشد گفت: ۵۰ سال است واردات ماشین‌آلات معاف از مالیات است اما مجلس شورای اسلامی با مصوبه خود مانع‌زایی را جایگزین مانع‌زدایی کرده است. این درحالی است که رهبر معظم انقلاب بارها بر مانع‌زدایی تاکید داشته و برآن صحه گذاشتند.

این فعال اقتصادی افزود: خواسته اصلی صنعتگران از وزیر صنعت، معدن و تجارت لغو مالیات ماشین‌آلات است که مجلس شورای اسلامی باید به این خواسته‌ها توجه ویژه‌ای داشته باشد.

وی افزود: اعمال مالیات بر واردات ماشین‌آلات صنعتی ضدتوسعه و ضدرونق اقتصادی است و معتقدم دولت باید هزینه‌ها را کاهش داده و به دنبال افزایش درآمد واحدهای تولیدی در کشور باشد.

عضو اتاق بازرگانی، صنایع معادن و کشاورزی اردبیل با بیان اینکه راه نجات کشور توسعه بخش صنعت است، افزود: با توسعه صنعت، میزان بیکاری کاهش یافته و اشتغال هم رونق خواهد یافت. بنابراین خواسته ما از وزیر صنعت، معدن و تجارت، توسعه صنعت با شیوه‌ها و رویکردهای نوین است و امیدواریم این خواسته‌ها تحقق یابد.

مشکلات صنعتگران و واحدهای صنعتی ساختاری است

امید یوسفی تولیدکننده پوشاک در استان اردبیل هم در این‌باره به ایرنا گفت، واقعیت این است که مشکلات صنعتگران و واحدهای صنعتی ساختاری است و اخیرا هم مشکل مالیات بر واردات ماشین‌آلات بر آن اضافه شده است.

وی یادآورشد: باید مشکل اصلی صنعت و صنعتگران با قانون‌گذاری و نظارت دقیق بر قانون برطرف شود چراکه صنعت دچار ضعف شده و اغلب صنعتگران هم در سال‌های اخیر دچار ضرر و زیان شدند و در طول این سال‌ها هم مجلس شورای اسلامی مصوبه‌ای کارآمدی به نفع صنعتگران و بازرگانان تصویب نکرده است.

یوسفی گفت: خواسته اصلی صنعتگران و تولیدکنندگان ساماندهی صنعت در کشور و لغو مالیات بر ماشین‌آلات صنعتی است و مجلس باید با هماهنگی وزارت صنعت، معدن و تجارت به این خواسته‌ها عمل کند.

مدیر کارخانه تولید پوشاک امیری اردبیل اظهار کرد: یکی از خواسته‌های مهم تولیدکنندگان و صنعتگران از مجلس و وزیر صنعت، معدن و تجارت لغو مالیات بر واردات ماشین‌آلات است که ضروری است به این خواسته‌ها توجه ویژه شود.

سهم ۳۰درصدی صنعت از اشتغال استان

اقتصاد استان اردبیل عمدتا بر ۲ پایه کشاورزی و گردشگری استوار است با این حال صنعت این استان هم در سال‌های اخیر روند روبه‌رشدی داشته است.

به طوری که درحال‌حاضر سهم صنعت از اشتغال استان به ۳۰درصد رسیده است.

در حال حاضر این استان در زمینه تولید چندین محصول صنعتی به قطب مهم تولیدات صنعتی در کشور تبدیل شده که ازجمله آن می‌توان کارخانه سیمان را نام برد که با ظرفیت خوبی تولیداتاش را روانه بازار می‌کند.

علاوه‌بر این استان اردبیل در زمینه سنگ‌های تزئینی و محصولات بتنی سبک وزن، سرآمد است و در کنار اینها تنها واحد تولید شیرآلات صنعتی کشور در این استان استقرار یافته که تولیدات آن به چندین کشور اروپایی نیز صادر می‌شود.

با این حال حفظ و افزایش سهم صنعت از اشتغال استان و حتی توسعه صنایع تبدیلی که در راستای توسعه بخش کشاورزی محسوب می‌شود مستلزم تامین تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی است.

سخن پایانی...

گرچه در افواه عمومی شاید نگاه مثبتی به مقوله واردات وجود نداشته باشد. با این حال این نکته بدیهی است که واردات کالاهای سرمایه‌ای به ویژه ماشین‌آلات صنعتی اتفاقا می‌تواند نقطه قوت اقتصادی کشورها محسوب شود. در چنین شرایطی تسهیل و ساده‌سازی شرایط واردات کالاهای سرمایه‌ای و ماشین‌آلات صنعتی می‌تواند چرخ صنعت و اشتغال هر منطقه‌ای را به گردش درآورد.

